

# به پیش!

یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۲۳ آوریل ۲۰۰۶

هر دو هفته یک بار منتشر میشود

شماره ۱۳

اتحاد سوسیالیستی کارگری

که به تصویب پارلمان و تائید رئیس جمهور رسیده بود بزرگ شد.

## «بهار فرانسه»

### چکیده ای از یک جنبش مقاومت سودابه مهاجر

مقاله ای از هفته نامه انگلیسی گاردین در زمان اوج جنبش به این اشاره می کرد که فرانسه "به این دلیل که سیاست در آن قطبی و دراماتیزه است همیشه ظرفیت این را داشته که مسائل حیاتی را به دیگر کشورهای جهان یادآوری کند". این واقیعی است که سرسختی یک سنت تاریخی در فرانسه، که بر مبنای رویارویی و ستیز اجتماعی شکل گرفته است، به رویدادهای اجتماعی و سیاسی در آن خصلتی بخشیده که در میان سایر دموکراسی های غربی کمتر به چشم می خورد.

بقیه در صفحه ۴

پروژه اتمی، این بار مسئله حمله نظامی به ایران و نه اشغال نظامی آن، نه در سطح محدود به اپوزیسیون رژیم اسلامی بلکه در سطح جهان مطرح است.

خامنه ای در دیدار با وزیر امور خارجه، معاونین، مشاورین و سفرا و کارداران و روسای نمایندگی های رژیم اسلامی در خارج کشور پس از ارجاع پرونده رژیم اسلامی به شورای امنیت گفت: "هرگونه عقب نشینی در مقطع کنونی، زنجیره ای تمام نشدنی از فشارها و عقب نشینی های دیگر را در پی خواهد داشت. بنابراین این راه برگشت ناپذیر است و دستگاه سیاست خارجی باید از این حق شجاعانه دفاع کند."

بقیه در صفحه ۳

تشکیل میدهند. مرد سالاری همچنان میدان دار است و برابری اقتصادی و حتی برابری حقوقی تابو مانده است. علاوه بر اینها در شرایط مناطقی مثل خاورمیانه که قوانین دولتی بر مبنای شریعت و اسلام است، زنان حتی نیمه انسان هم به حساب نمی آیند.

بقیه در صفحه ۸

«پیروزی بی چون و چرا»، «پیروزی تاریخی»، «پیروزی در یک مرحله»، با این عبارات است که لغو قانون جدید استخدام جوانان در فرانسه از سوی ارگانهای مختلفی که مبارزه فراگیر و شورانگیزی را علیه آن به پیش بردند، استقبال می شود. هفته ها و هفته ها تظاهرات، راه پیمانی و اعتصاب سرانجام نهاد های سیاسی حاکم را با شرایط بحرانی روبرو کرد و توانست قانونی را

## نوبت احمدی نژاد است

رضا مقدم

پس از قطعی شدن حمله نظامی آمریکا به افغانستان نیروهای در اپوزیسیون ایران و به ویژه در جناح سلطنت طلب تصور کردند که بعد از افغانستان نوبت ایران است. با حمله نظامی آمریکا برای اشغال عراق صدای نوبت بعدی ایران است یکبار دیگر اما به شکل ضعیف تری تکرار شد. نه بعد از اشغال نظامی افغانستان نوبت اشغال نظامی ایران بود و نه بعد از اشغال عراق. اما اکنون با حاد شدن اختلافات اروپا و آمریکا با رژیم اسلامی و بر سر

## هشت مارس در ایران

امسال هم ۸ مارس، روز جهانی زن در حالی فرا رسید که عوارض ناشی از سلطه سرمایه، فقر و فلاکت و نداری، جنگ و بیکاری، در جهان همچنان قربانی میگیرد و بخش عمده این قربانیان را زنان

## اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران از راه می رسد!

امسال هم روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که هنوز سایه شوم رژیم اسلامی سرمایه بر سر ما کارگران سنگینی میکند. با وجود دولتی نظامی-امنیتی که اوباش ترین و چاقوکش ترین باند حاکمین بر جامعه ایران را با یک کودتا بر علیه رقبایشان برسر کار آورده است، شما کارگران، در همین ایام نشان دادید که از چنان قدرتی برخوردارید که اگر آگاه، متحد و متشکل به میدان بیایید، کسی را یارای مقاومت در مقابل شما نیست.

بقیه در صفحه ۲

## کدام دموکراسی!؟

شروین رها

در تیتیر رسانه های جهانی غنی سازی اورانیوم در ایران از جمله مسائل پر سر و صدا، بویژه بعد از ارجاع آن به شورای امنیت شد و هنوز هم حول چگونگی برخورد با آن و قرار و مدار و تعیین مهلت به دولت ایران، تم اصلی کنفرانسها و نشستهای مختلف چه در سطح قدرتهای بزرگ جهانی و چه در سطوح پایین تر تشکیل میدهند و آخرین خبر دال بر آن است که دولت احمدی نژاد یکماه مهلت دارد که در انطباق با بیاتیه اعضای شورای امنیت به همکاری با آن بپردازد، غنی سازی راملق و اطمینان آناثرابر آورده کند.

درگیریهای غرب با ایران حتی در ۱۸ مارس، سالروز حمله نظامی آمریکا به عراق جلب توجه کرد و در کنار پافشاری جنبش ضد جنگ

بقیه در صفحه ۷

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

بقیه از صفحه ۱

## اول ماه مه روز همبستگی جهانی

امسال در اول ماه مه، میتوان با تعطیلی کارخانه ها، کارگاهها و مراکز کار در ایران، در صفوف متحد به خیابانها و میدانی سرازیر شویم و با به اهتزاز در آوردن پرچم خواسته های خویش، همگام با کارگران سراسر دنیا، قدرت خود را به نمایش درآوریم.

اول ماه مه امسال، نه تنها روز تجلی اعلام خواسته های بیشمار کارگران است بلکه میتواند روز به رسمیت بخشیدن برگزاری مراسمهای مستقل از دولت و شوراهای اسلامی در ایران باشد. با صفوف فشرده و با نگاهی به تجربه مبارزات چند سال گذشته، صدای خود را رساتر کرده و برای ایجاد تشکلهای طبقاتی، سراسری و توده ای خویش متحد گردیم. باید از حرکت کارگران شرکت واحد و اعتصابات آنها برای امرتشکل آموخت، همبستگی بین المللی در محکومیت رژیم اسلامی برای دستگیری و زندانی کردن فعالین و خانواده های آنان و ضرب و شتم همسران و کودکان آنان را بیاد آورد.

آزادی منصور اسانلو وسایر کارگران دستگیر شده، بازگشت به کار کارگران واحد، لغو احکام محکومیت فعالین کارگری سقز و اعلام انحلال شوراهای اسلامی، آن خواسته های مشخصی است که در مراسمها و قطعنامه های اول ماه مه امسال میبایست مورد تاکید قرار داد.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران جهان  
فشرده باد صفوف متحد و متشکل کارگران  
در ایران  
گرامی باد اول ماه مه روز مبارزه و جشن جهانی کارگران

به پیش!

ایران را کاشت و حمایت های داخلی و بین المللی را به خود جلب نمود.

مورد دیگر، فعالیت کارگران ایران خودرو در تحمیل اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به کارفرماست که در روزهای پایانی آخر سال متحقق شد.

مواردی متعددی از فعالیتهای کارگری با اتکا به نیرو و سازماندهی خود کارگران طی سالهای اخیر همگی این نکته اساسی را یادآوری نمود که کارگران در ایران برای رسیدن به خواسته های بیشمارشان از جمله افزایش حداقل دستمزدها، یک راه بیشتر ندارند و آن تکیه به نیروی متشکل خویش در پیشبرد این خواسته ها است.

کارگران متشکل در تشکلهای خویش آن نیروی ست که قادر خواهد بود که خواسته های خود به دولت و کارفرمایان تحمیل کند و اجازه ندهد که اینان با توطئه و فریب و سرکوب مانع تحقق پیشرویهای جنبش کارگری شوند، این نیروی متشکل خواهد توانست در هر تغییر سیاسی در جامعه به مثابه یک نیروی اجتماعی تعیین کننده عرض اندام کند.

و سال ۸۵ میتواند سال تحقق تشکلهای توده ای و سراسری، سال برگزیدن نماینده های واقعی کارگری، سال تحقق انحلال شوراهای اسلامی ضد کارگری و سال حضور فراگیر اجتماعی طبقه کارگر باشد.

افزایش هر گونه دستمزدها در  
ایران در گرو ایجاد تشکلهای  
طبقاتی توسط خودکارگران  
است!

زنده باد اتحاد و همبستگی  
کارگران

به پیش!

## حد اقل دستمزد

### کارگران در سال ۸۵

حد اقل دستمزد کارگران برای سال ۸۵ مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان اعلام شد، این خبر را ابراهیم نظری جلالی معاون وزیر کار بدون سر و صدا و در حالی اعلام کرد که قبلاً طبق اظهارات دولتی خط فقر در ایران ۳۰۰۰۰۰ تومان اعلام شده بود.

خانواده های کارگری در ایران که در فقر و فلاکت مطلق بسر میبرند، از حداقل بیمه های اجتماعی محرومند و هر لحظه در معرض اخراج قرار دارند. و با این مبلغ اعلام شده به عنوان دستمزد، سال جدید را میبایست با گرسنگی مطلق و عوارض ناشی از آن آغاز کنند.

امسال طرح سندیکای واحد و پیشنهاد کارگران ایران خودرو دایر بر حضور نماینده گان شناخته شده کارگری در کمیته تعیین دستمزد و فشار به دولت در این رابطه عملی نشد، پیشتر هم تنظیم جدول میزان امرار معاش یک خانواده ۵ نفره کارگری از طرف محمود صالحی از فعالین کارگری سقز جرم محسوب شده بود؛ اما اقدامات رو به اوج برای ایجاد تشکلهای کارگری تلاش دیگری ست برای پرداختن به طرح دستمزد چرا که ابزار مورد نیاز مبارزه کارگران برای این امر را فراهم می کند. این تشکل ها چنانچه همه کارگران را تحت پوشش خود داشته باشند، تنها ابزاری ست که میتواند کارگران را در مقابل دولت و کارفرمایان آماده کند و سازمان دهد تا حقوق خود را از حلقوم آنها بیرون کشند.

در سال قبل کارگران بخشهای مختلف نشان دادند که ساکت نخواهند نشست و به اشکال مختلف تشکلهای خود را خواهند ساخت، نمونه حرکت کارگران شرکت واحد در طی ماههای اخیر، بیان زنده آن است که نهال تشکل سازی کارگران در

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای

به پیش! منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.

Postfach 940166  
60459 Frankfurt  
Germany

[bepish@hotmail.fr](mailto:bepish@hotmail.fr)

به پیش!

## نوبت احمدی نژاد است

به این اعتبار هم سران رژیم اسلامی و هم سران آمریکا و اروپا می دانند که موضوع اصلی مورد مناقشه پروژه اتمی رژیم اسلامی نیست. پرونده اتمی رژیم اسلامی همچنان می توانست به شیوه دوران خاتمی حل و فصل شود اگر پس از وی مثلا رفسنجانی رئیس جمهور میشد. پروژه اتمی را محافل که نام احمدی نژاد را از صندوقها در آوردند به جلوی صحنه آوردند چرا که مطلع بودند هم مجلس هفتم و احمدی نژاد همانطور که نزد صاحبان سرمایه و صنایع ایران پذیرفته نشدند نزد سران اروپا و آمریکا هم پذیرفته نخواهند شد. اینها می پنداشتند که پروژه اتمی تنها موضوعی است که بیشترین ظرفیت را برای بسیج مردم ایران در پشت حکومت اسلامی علیه آمریکا و اروپا، دارد. آنطور که امیر محبیبان از اعضای شورای سردبیر نشریه رسالت، پس از اعلام نام احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور نوشت، انتقاد اروپا و آمریکا به رژیم اسلامی بر سر هر موضوع دیگری بجز پروژه اتمی و از جمله بر سر دموکراسی و حقوق بشر، هواخواهان و همصداهایی در داخل نیز خواهد داشت.

مخالفت اروپا و آمریکا اگر چه اکنون حول پروژه اتمی است اما در واقع با احمدی نژاد و محافل حامی آن است. هم خامنه ای این را می داند که از "زنجیره ای تمام نشدنی از فشارها و عقب نشینی" ها سخن می گوید و هم دوم خردادها. جبهه دوم خردادها راه حل بیرون آمدن رژیم اسلامی از وضعیت کنونی را بازگشت همه جانبه سیاستهای داخلی و خارجی رژیم به دوران خاتمی می داند. آنها برای پایان یافتن بحران فعلی پروژه اتمی مستقیما، علنا و رسما خواستار کنار رفتن احمدی نژاد و حامیانش از قدرت نیستند اما گویا اجرای سیاستهای مورد نظر آنها یعنی بازگشت به سیاستهای داخلی و خارجی دوران خاتمی بدون کنار رفتن جناح فعلی ممکن است. آلترناتیو این جناح کمابیش شبیه دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، رفسنجانی است که بارها تفاوت خود را با سیاست های اتمی فعلی بیان کرده است.

احمدی نژاد را نه صاحبان صنایع و سرمایه ایران پذیرفتند و نه هم طبقه ایهایشان در جهان. صاحبان صنایع و سرمایه ایران با خروج سریع و وسیع

سرمایه هایشان از ایران و در واقع با اعتصابشان، مخالفت خود را با احمدی نژاد به جهاتیان اعلام کردند. مخالفت آمریکا و اروپا با احمدی نژاد و محافل حامی وی، در واقع هماهنگی، همکاری و اتحاد آنها با صاحبان سرمایه و صنایع ایران است برای تغییرات مورد نظرشان در رژیم اسلامی که پس از خاتمی با وقفه مواجه شده است.

پاسداران و بسیجیهای "صندوق رای ساز" به کمک حدود سیصد هزار مامور با وجدان و امانتدار اسلامی از شورای نگهبان، ابتدا مهدی کروبی را در فاصله چرت بعد از نماز صبحش از گردونه خارج کردند. سپس، "این صندوق رای سازان" جان برکف تمام قدرت تطمیع و تهدید خود را بکار گرفتند تا برای دور دوم، احمدی نژاد با رفسنجانی در جدول باقی بماند. نشان دادن قدرت تنها به دوم خردادها کافی نبود، اینها باید جلوی چشم همه دست اندر کاران رژیم اسلامی و جهاتیان رفسنجانی را هم که همواره بعنوان نفر دوم نظام از وی نام میبرند، کنار می زدند تا به نحو سمبولیکی، خدا تنها کسی باشد که رفسنجانی می تواند شکایت خود را نزدش ببرد. در تاریخ رژیم اسلامی، بیرون آوردن نام هیچ رئیس جمهوری از صندوقهای رای مانند احمدی نژاد مورد مناقشه حتی در سطوح بالای رژیم نبوده است. حامیان احمدی نژاد در رژیم اسلامی یک اقلیت کوچک اما پر قدرت و متشکل از ارتجاعی ترین آخوندها، راست ترین محافل نظامی و آدمکشان وزارت اطلاعات هستند که منافع اقتصادی نجومی در حفظ شرایط فعلی دارند و نشان داده اند که برای حفظ آن از هیچ اقدامی فرو گذار نیستند.

هدف جنبش اصلاحات سیاسی و جبهه دوم خرداد این بود تا ابزارهای قدرت دولتی را در دسترس صاحبان صنایع و سرمایه ایران قرار دهد و با برقراری یک برابری حقوقی سیاسی در بین آنها به رانت خواری های ناشی از نزدیکی و رابطه افراد و گروهها به محافل قدرت پایان دهد. جنبش اصلاحات سیاسی از این طریق میرفت تا منافع اقتصادی قشری از آخوندها و فرماندهان ارشد پاسداران و بسیجی که از جمله با در اختیار داشتن دهها اسکله اختصاصی قاچاق کالا، سودهای نجومی می برند را به خطر بیاندازد. برای نمونه، همین ها بودند که با استفاده از هواپیماهای نظامی، هواپیماهای مسافربری را در آسمان تهران ناچار کردند تا بر خلاف برنامه

پرواز خود، در فرودگاه مهرآباد فرود آیند و بدن وسیله فرودگاه جدید تهران را که توسط خاتمی افتتاح شده بود، بستند. این نظامیان جان بر کف در راه اسلام، اعتراضشان به این بود که قرارداد پرسود خدماتی بخشی از فرودگاه جدید تهران را نه به شرکتهای وابسته به سپاه بلکه به یک شرکت ترکیه ای داده بودند. مجلس هفتم و رئیس جمهور شدن احمدی نژاد تلاشی برای حفظ چنین منافع کلان اقتصادی است. و احمدی نژاد چنان از قدرت این شبکه در ساختن صندوق های رای مطمئن بود که برخلاف معمول همه کاندیداهای رئیس جمهوری، قبل از انتخابات و برای تبلیغات به استانها و شهرستانهای چندان مسافرت نکرد. وی شاید تنها رئیس جمهوری باشد که تبلیغات انتخاباتی خود را بعد از رئیس جمهور شدن و از طریق برگزار کردن جلسات کابینه در استانها، انجام میدهد.

احمدی نژاد و حامیان وی با موفقیت کامل توانستند که پرونده اتمی رژیم اسلامی را در کوتاه ترین زمان ممکن به شورای امنیت سازمان ملل بفرستند. اینها که مجلس هفتمشان و رئیس جمهورشان هیچ حقانیتی حتی در درون حاکمیت رژیم اسلامی ندارند تنها راه بقای خود را کسب موفقیت در مقابله بر سر پروژه اتمی می دانند. اما با رفتن پرونده اتمی رژیم اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا و اروپا و در واقع صاحبان صنایع و سرمایه جهانی مهمترین ابزار و اهرم را برای شکل دادن به رژیم مطلوب خود در ایران بدست آورده اند. یا رژیم اسلامی تن به تغییرات تدریجی مورد دلخواه صاحبان صنایع و سرمایه ایران و جهان که اکنون هر دو اهداف کوتاه مدت و دراز مدت یکسانی دارند و تفاوت ماهوی با اهداف جنبش اصلاحات سیاسی ندارد، میدهد و یا می رود. پرونده اتمی رژیم اسلامی با و یا بدون بمباران تاسیسات اتمی رژیم اسلامی، تنها در حالتی از شورای امنیت سازمان ملل خارج خواهد شد که برای اروپا و آمریکا اثبات شود که احمدی نژاد و جناح مدافعش بنحو تقریبا برگشت ناپذیری از حاکمیت رژیم اسلامی کنار گذاشته شده اند. گفته خامنه ای که "هرگونه عقب نشینی در مقطع کنونی، زنجیره ای تمام نشدنی از فشارها و عقب نشینی های دیگر را در پی خواهد داشت. بنابراین این راه برگشت ناپذیر است" بر همین موضوع اشاره دارد.

## چکیده ای از یک جنبش مقاومت

در حالی که پیامبران نظم "نوین" بر آمده از پیروزی بازار و نوو لیبرالیسم تلاش می کنند تا به جهان بقبولانند که تاریخ و طبقات و مبارزه به پایان رسیده؛ و با سیادت گزینش های اقتصادی، ارزشها و ایده آلهای این نظم همه باید برتری طبیعی آنرا پذیرفته باشند، مورد جامعه فرانسه در قلب دنیای پیشرفته سرمایه داری درست خلاف این ادعا را نشان می دهد. از کم تر از یکسال پیش تا کنون این جامعه صحنه رویدادهای عظیم سیاسی و اجتماعی بوده که چهار گوشه جهان را به بهت، نگرانی یا ستایش واداشته است: رفرا ندقانون اساسی اروپا در بهار سال پیش، شورش های شهری جوانان حاشیه در پاریز، و امروز جنبش اعتراضی وسیع دانشجویان، دانش آموزان و اتحادیه های کارگران و کارکنان. اگر موقعیتهای های ویژه سیاسی در آفرینش این رویداد ها تاثیر دارند؛ اگر نقش آفرینان آنها متفاوتند و به نسل ها یا جغرافیای متفاوت، شیوه های زندگی و جایگاه های گوناگون در میان مزد بگیران حال و آینده یا ارتش ذخیره کار تعلق دارند؛ اگر اعتراضات آنها به اشکال متفاوت از مجرای صندوقهای رای، خشونت های شهری و یا اعتصابات، و تظاهرات میلیونی بیان می شود به جرات می توان گفت که همه این تلاطمات از ریشه مشترک بر می خیزند: از یکسو نا امنی اجتماعی که در پی سی سال یورش بی وقفه سرمایه داری بحران زده و باز ترکیب شده، پا گرفته است و خود را در بیکاری توده ای ساختاری، بی ثباتی کار و ناپایداری شرایط زندگی، خطر بالفعل یا بالقوه گسیختگی همه دستاوردهای اجتماعی محصول دهها سال مبارزات کارگری نشان می دهد؛ و از سوی دیگر، و هم پای آن، بحرانی در دموکراسی لیبرالی سر بلند کرده که نظام پارلمانی را بعنوان نگهبان دموکراسی از اعتبار ساقط کرده است.

آخرین کشمکش اجتماعی که بر سر قانون جدید استخدام جوانان جاری شد و دو و ماه و نیم به درازا کشید نهادهای اجرایی قدرت سیاسی را در شرایط سوررنالیستی کم نظیری قرار داد تا جانی که چند روز پیش از اعلام مرگ این قانون رئیس جمهور در حالی که به تصویب آن رسمیت

می داد از دولت خواست که همه امکانات خود را برای ممانعت از اجرای آن بکار گیرد! ماجرا از زمانی آغاز شد که قانونی به پیشنهاد دولت به تصویب پارلمان رسید، و به حکم آن دسترسی به کار ثابت برای جوانان زیر بیست و شش سال به گذار از هفت خوانی مبدل می شد که کارفرما در تعیین آن صاحب اختیار بود. در جریان تصویب این قانون در پارلمان حرکت اعتراضی وسیعی از دانشگاهها و از میان دانشجویان آغاز شد که اتحادیه های کارگری و دانش آموزان دبیرستانها را نیز به صحنه کشاند، و طی دو ماه جنبش گسترده ای را خلق کرد که همه از دور و نزدیک تصاویر راه پیمانی های میلیونی شکوه مند آنرا دیده اند، راه پیمانی هایی که یکی پس از دیگری عظیم تر می شدند تا جانی که آخرین تظاهرات، که به گفته ای از آغاز جمهوری پنجم (سال ۱۹۵۸) به این سو بی سابقه بوده اند، هر یک نزدیک به سه میلیون نفر را به خیابانها کشاندند؛ در حالی که اعتصاب و کم کاری در بخش های دولتی و حتی خصوصی آنها را همراهی می کرد. در طول این جنبش سه چهارم دانشگاههای کشور به رای مجامع عمومی به اعتصاب کشیده شدند و پیکت های اعتصاب مانع از تشکیل کلاسها گردید؛ و به جای آن دانشگاه به مکان سرزندگی و مبارزه، بحث و کنفرانس تبدیل شد. درس و کلاس در صد ها دبیرستان نیز به همین منوال تعطیل شده بود. در روزهای پیش از لغو قانون شکل تازه ای از آکسیون در سراسر کشور گسترش یافت، جوانان از دانشگاهها و دبیرستان های خود بیرون آمدند و به راه بندان راهها، جاده ها و راه های آهن و مراکز اتوبوس پرداختند.

### «ناپایداری» راه حلی برای "توازن" بازار کار

در پانز گذشته شورش های شهری بی نظیری در چهار گوشه فرانسه رخ داد که میزان خشم و استیصال جوانان محروم حاشیه ها و گتوهای حومه شهرها را به نمایش گذاشت. طغیان جوانان خشونت ناهنجاریها و تبعیضات اجتماعی رایج را با شدت یادآوری نمود. و دولت برای "پاسخ دادن" به مسائل اجتماعی که این شورش عریان کرده بود طرح قانونی را ساخت و پرداخت کرد بنام "برابری فرصت ها". این طرح مجموعه تدابیر و سیاستهایی ست که به بهانه امکان پذیر کردن اشتغال جوانان محروم از مهارت و

دیپلم تراشیده شده اند. قانون "برابری فرصتها" مواد واپس گرای فراوانی دارد که "جهان کار" را بیش از یک قرن به عقب باز می گرداند، از جمله کاهش عملی سن تحصیلات اجباری از ۱۶ به ۱۴ سالگی، کاهش سن شبکاری به ۱۵ سال و قطع کمک هزینه های اجتماعی خانواده هایی که فرزندان یاغی دارند. یکی از مواد این قانون، که موجب برانگیخته شدن جنبش اعتراضی گسترده ای شد، در مورد قرار داد کار جوانان زیر ۲۶ سال بود که به کارفرما اجازه می داد که در طول دو سال دوره آزمایشی هر زمان که اراده کند و بدون ارائه هیچ دلیلی کارکن جوان خود را بیرون بپندارد.

مدت زمانی است که بر مبنای نرخ بالای بیکاری میان جوانان و به بهانه آن دولتهای گوناگون قراردادهای تبعیض آمیز مختلف را برای جوانان سرهم بندی می کنند. در طول سی سال پیش از ده نوع مقررات و قانون برای مبارزه بابیکاری جوانان بکار گرفته شده و زنجیره ای از قرارداد های موقت، کار پاره وقت تحمیل شده، کار جانشینی، "کار آموزی" بی مزد یا کم مزد که از کار آموز کارکنی بدون قرار داد، و بدون حق و بدون حقوق می سازند، زندگی روزمره بخش بزرگی از جوانان را تشکیل می دهد. چون در روزگاری بسر می بریم که بی ثباتی جمعیت کثیری از نیروی کار جوان برای ادامه حیات اقتصادی ضروری شمرده می شود، بیست سال است که بنگاهها ابزارهای انعطاف را، برای رقابت و انطباق خود با شرایط بازار در داخل و خارج، بیش از هر دسته دیگر برای جوانان بکار می گیرند.

اما "جوان کمتر از ۲۶ سال" یک واقعیت اجتماعی یکدست نیست. "جوانان" نیز با مرزهایی جدا می شوند که از همان اوان زندگی آنها را به پرولتر، که خطر بالقوه رانده شدن به حاشیه بر سر او در پرواز است، یا متعلق به طبقات متوسط آینده دار دسته بندی می کند. و سپس نوبت مدرسه می رسد که نقش خود را در ابقا یا تحرک موقعیت آنان ایفا کند؛ در پی آن است که "جوانان" در سطوح تخصص بسیار متفاوت با واقعیت بازار کار، با همه تحولات شگرفی در سی ساله اخیر بخود دیده است، مواجه می شوند.

رفرم دولت برای منطف کردن بازار کار به شکل



## چکیده ای از یک جنبش مقاومت

اجتناب ناپذیری از گسترش تدابیر مربوط به "جوانان دچار مشکل" به همه جوانان می‌گذرد از جمله آنهایی که در دیپلم و تحصیلات عالی در جستجوی آینده روشن تری هستند و گمان می‌کنند که مدرک تحصیلی یا مهارت می‌تواند آنها را از بد حوادث اجتماعی تا ابد در امان نگاه دارد؛ و بعد از جوانان هم نوبت به مجموعه بازار کار خواهد رسید. به این ترتیب از جوانانی که "در موقعیت دشوار قرار دارند"، یعنی به عبارتی که این روزها باب شده است از "بیرونی‌ها"، عاملی ساخته اند که زیر آب قرارداد کار دائم را حتی برای "درونی‌ها" بزنند در حالی که موقعیت دسته اول را باز هم بی‌ثبات تر و دشوار تر می‌کنند. در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که قرارداد کار ثابت به معنای تضمین کار واقعا دائمی نیست و امروز بیکار سازیهای اقتصادی حتی به دلیل اینکه سود مورد انتظار عاید کارفرمایان نمی‌شود به کارکرد استاندارد بنگاههای اقتصادی تبدیل شده اند. با این وصف ترمز های قانونی که بیکار سازی را مشکل تر می‌کنند تا حدی کارکنان را تحت حمایت قرار می‌دهند. به هر رو، قدم اول در راه متزلزل کردن کار ثابت با قرار داد کار مشابهی که کارکنان بنگاههای کمتر از ۲۰ نفر، یعنی نزدیک به دو سوم بنگاههای فرانسه، مستقل از سن و سالشان را در چنگ می‌گیرد در تابستان سال پیش برداشته شد. دوران آزمایشی دو ساله که طی آن کارفرما می‌تواند با یک نامه سفارشی و بدون ارائه هیچ دلیلی به آن پایان دهد از قرارداد موقت هم ناپایدار تر تلقی می‌شود چون در این نوع قرار داد مزد بگیر حداقل می‌داند که برای چه مدتی شاغل است. نتیجه روانی و اجتماعی قرارداد های جدید بسیار مخرب است و با انتظار تبعیت و فرمانبرداری بی حد و مرز از کارکن در برابر وعده قرارداد کار ثابت به استبداد کارفرمایی رسمیت قانونی می‌دهد.

رفرم های این چنینی در مقررات استخدام حاصل تدابیری است که به بهانه مبارزه با بیکاری نا امنی شغلی را گسترش می‌دهند و به قانون عمومی ناظر بر کار تبدیل می‌کنند. این قرار داد های کار

تازه برآیند مجموعه سیاستهای دولتی ست که قدرت قانون را پشت بی ثباتی کار، نا امنی اجتماعی و ارباب نیروی کار دور انداختنی می‌گذارد. با این ترتیب بی ثباتی دیگر یک آزمون موقت نیست بلکه به همه گوشه های زندگی حرفه ای کارگران تعمیم یافته است. چشم اندازی گشوده می‌شود که پیوستگی دولت و کارفرما در هیچ گوشه ای از آن پنهان نمی‌ماند. قانون جدید استخدام جوانان در پی همه سیاست های ضد کارگری قبلی یک قدم دیگر در جهت نابودی مقرراتی است که هنوز به سود کارکنان موجودند؛ و با تبلور همه ناخشنودی های دیگر در خود آن قطره ای است که جام را سرانجام لبریز کرده است.

## دموکراسی از «خیابان» بر می‌خیزد

ماجرای قانون تازه استخدام در فرانسه در عین حال بشکلی دراماتیک حرکت رو به پس دموکراسی نمایندگی را تا حد پوسیدگی آن بازتاب می‌دهد. دموکراسی ای که در آن هر پنج سال یک بار نمایندگانی انتخاب شوند که در طول این مدت قدرت مطلق را در دست خود بگیرند بدون اینکه نگران حساب پس دادن به کسی باشند. این بویژه زمانی معنای واقعی خود را نشان می‌دهد که بیاد آوریم رئیس جمهور (و دولت انتصابی او) در شرایطی به قدرت رسیدند که به حکم بند بازی های انتخاباتی شهروندان حق انتخاب میان لوپن و شیراک را پیدا کردند، شرایطی که باعث شد این دومی به مدد مخالفانش و با بیش از هشتاد درصد آرا در کاخ ریاست جمهوری باقی بماند. انتخابات مجلس هم که بلافاصله پس از آن برنامه ریزی شده بود بر اساس منطقی که ضرورت ثبات میان قوای مجریه و مقننه را در شرایط انفجاری آن زمان به خورد جامعه می‌داد، آنها هم با شیوه ای که بر اساس ائتلافات انتخاباتی به نفع احزاب بزرگ سازمان یافته است، اکثریت قاطع را به حزب شیراک سپرد. باری، این دموکراسی در رابطه با قانون جدید استخدام حتی به معنای حد اقل و فرمال آن هم اجرا نشده است: ظرفیت ضد دموکراتیک سیستم پارلمانی در روند تصویب این قانون به تمام معنا به تماشا گذاشته شد. پروژه قانونی دولت که بدون هیچگونه بحث و مذاکره قبلی با اتحادیه ها به پارلمان ارائه گردید، و حتی بحث

پارلمانی آن هم قیچی شد، با توسل به عملیات کمادونی سریع و غافلگیرانه و مغایر با حداقل مراسم و مناسک در دموکراسی فرمال تصویب شد. دولت با این شیوه عمل نظامی و با گذشتن از خیر توافق آندسته از اتحادیه های راست و رفرمیست، که تاکنون همه رفرمهای لیبرال به مدد آنها میسر شده اند، کلا اتحادیه ها را حتی در فرم هم دور زد و با تحقیر آنها نشان داد که هیچ چیز بحساب نمی‌آیند؛ و به قانون پیشین خودش هم که بر مبنای آن هر گونه تغییر در قانون کار باید ابتدا به گفتگوی اتحادیه های کارگری و کارفرمایی گذاشته شود پشت پا زد، و پروژه خود را به تصویب پارلمانی که اکثریت آنرا اعضای حزب دولتی تشکیل میدهند رساند؛ با این شاهکار نشان داده شد که در دموکراسی پارلمانی صرف انتخاب شدن به نمایندگی می‌تواند مشروعیتی به همراه آورد که حد و پایانی بر آن قابل تصور نیست.

پیداست که تقویم انتخاباتی در انتخاب این شیوه بی تاثیر نبوده است. این در حالی است که نزدیک به یکسال به انتخابات ریاست جمهوری و مجلس باقی مانده و احزاب سیاسی خود را با جدیت برای آن آماده می‌کنند. کشمکش نه تنها بین احزاب رقیب بلکه میان جناحها و افراد مختلف در هر حزب شدت یافته است. هر کاندیدانی ثابت کند که در اردوگاه خود و پایه انتخاباتی صلاحیت بیشتری از دیگر رقیبان دارد شانس خود را برای احراز مقام اول افزایش داده است. در حزب محافظه کار حاکم هر کدام از رقبای نشان دهد که بهتر و قاطع تر می‌تواند رفرم های ضروری سرمایه در دوران نئولیبرالیسم را پیش برد نامزد صالح تری برای نمایندگی حزب خود در انتخابات ریاست جمهوری تشخیص داده می‌شود. این داستان نخست وزیری است که برای اثبات برتری خود بر رقیب قدرتمندش، وزیر کشور فعلی و رئیس حزب محافظه کار، به تسریع مبارزه برای تحمیل ناپایداری شغلی کمر بسته تا انحصار قاطعیت و سرعت در گسست از دولت رفاه را از او برباید. به عبارت دیگر آن انتخاباتی که در درون احزاب برای معرفی کاندیدای خود در آمریکا جریان می‌یابد (انتخابات اولیه) در فرانسه در بطن نبردهای اجتماعی جاری می‌شود.

کارزار برای لغو قانون جدید در حالی ادامه یافت که مانور شیراک برای تصویب قانون و در همانحال تطبیق عملی آن!

## چکیده ای از یک جنبش مقاومت

همراه با تغییر تاکتیک و تلاش در جهت ایجاد شکاف میان اتحادیه ها و جلب رفرمیست ترین آنها برای پذیراندن یک نسخه سبک تر به نتیجه نرسید. این نمایش مضحک در راس قدرت سیاسی حتی تنش میان اکثریت پارلمانی و حزب و دسته خودی را، که علیرغم همبستگی ظاهری با دولت در نگرانی از آینده انتخاباتی خود نزدیک به انفجار بود، نتوانست کاملا آرام کند؛ اما فراتر از آن نیمه بحران نهادی در دموکراسی موجود را تقویت کرد چون پرونده این ماجرا از دولت، که بعثت ناتوانی در رهبری عملا سلب مسئولیت شد، به نمایندگان پارلمانی اکثریت یعنی در واقع به حزب محافظه کار تحویل داده شد.

حزب سوسیالیست (معادل سوسیال دموکراسی در دیگر کشور های اروپایی) که به اقلیت پارلمانی تعلق دارد، خود را با جنبش ضد قرار داد جدید همبسته می خواند و الغای تمام و کمال قانون را مطالبه می کرد. طبعاً این بار اول نیست که در آستانه دوران کمپین های انتخاباتی این حزب، زمانی که در اپوزیسیون قرار دارد، خود را به جبهه مبارزات اجتماعی می چسباند و از نیروی معترض به نفع خود استفاده می کند. اما حداقل همه تجربیات گذشته نشان داده اند که به محض رسیدن به قدرت این همبستگی ها و اعلام وفاداری ها به سرعت به فراموشخانه تاریخ سپرده می شوند. بسیاری از دهها قانون و مقرراتی که در طول سی سال قراردادهای کار ناپایدار و منعطف را رسمیت داده اند در دورانهایی که این حزب دولت را در دست داشته ابداع شده اند. حتی اگر در کشاکش این مبارزه دسته ای از جوانان به حزب سوسیالیست جلب شدند، بسیاری دیگر قانون این بازی را به خوبی می شناسند.

چنین داده هائی همه این حقیقت را یاد آوری می کنند که هیچیک از احزاب اصلی این کشور نماینده خواسته های اکثریت مردم نیستند، و در چنین شرایطی پارلمان و دموکراسی نمایندگی را تحت هیچ عنوانی نمیتوان دموکراسی نامید. تنها عاملی که این "نمایندگان مردم" را به اریکه عالی تصمیم گیری رسانده است

جبر شهروندان به گزینش از میان احزاب انگشت شماری است که در نهایت تفاوت بزرگی با هم ندارند، و در عصر بحران و نابسامانی اقتصادی و اجتماعی شیوه های کمابیش مشابهی برای بازسازی سرمایه داری عرضه می کنند؛ و سرانجام پیروزی انتخاباتی آنها پیش از اینکه مدیون پروژه هایشان باشد در اساس به دلیل ورشکستگی سیاستهای رقیبانشان ممکن می شود. حاکمیت غیردموکراتیک پارلمانی امروز دیگر برای گروههای بزرگ از شهروندان رمز و رازی باقی نمانده است.

در مقابل جنبش اجتماعی در فرانسه این بار هم نشان داد که دموکراسی واقعی یعنی شرکت شهروندان در زندگی سیاسی با عمل اعتراضی مشترک تامین می شود. جنبش برخاسته از خشم و خروش دسته جمعی سیاست را در خیابان و مجمع عمومی باز تعریف می کند؛ و آنرا بشکلی متفاوت از تعویض اکثریت پارلمانی، با چالش آن حکمت سیاسی که در تخریب سیستماتیک کار و دستاورد های اجتماعی تضمین سود سرمایه را می جوید، به عمل در می آورد. در همین مجامع عمومی است که ابهامات و تردیدها با تفکر سیاسی جمعی و تصمیم گیری های دموکراتیک به فعالیت و مبارزه تبدیل می شود. به این شیوه است که صدها هزار جوان بشکلی واقعی به صحنه سیاست گام گذاشتند، و به همراه بزرگ ترها، کارگران و کارکنان بخش های خصوصی و دولتی برخاستند تا با پس راندن یک قانون غیر انسانی و ناعادلانه در عین حال یک تحول سیاسی را فرا خوانند.

همین دینامیسم مبارزه جویانه است که باعث شده اتحاد کم نظیری میان اتحادیه های کارکنان برقرار شود تا حدی که رفرمیست ترین و حتی راست ترین آن ها را، که ذره ای اتهام سمپاتی به چپ و مبارزه توده ای نمی توان به آنها زد، برای پرهیز از منزوی شدن به دنباله روی از جنبش کشاند. همه کنفدراسیون های سندیکائی همراه با سندیکاهای واحد متعلق به کارگران، کارمندان، معلمان، کادر ها در بخش های مختلف دولتی یا خصوصی، از چپ ترین تا رفرمیست ترین آنها، همراه با سازمانهای دانشجویان و دانش آموزان یکصدا خواهان لغو قانون جدید استخدام بودند و حتی قول اعلام اصلاح آن از سوی دولت و رئیس جمهور نتوانست این اتحاد کم نظیر را خدشه دار کند.

جنبش اخیر به شکلی اجتناب ناپذیر خود

را با «مه ۶۸»، بعنوان یک رفرانس تاریخی، تداعی می کند. در جریان جنبش ۶۸ در پی آرژانتاسیون دانشجویان طبقه کارگر با قدرت و وحدت وارد میدان می شود، و اعتصاب عمومی با شرکت میلیونها نفر در می گیرد، به نیروی آن است که دستاوردهای اقتصادی کلانی برای کارکنان به بار می آید، و سرانجام قدرت سیاسی با بحران روبرو می شود. بی تردید چارچوب و محتوای سیاسی و فکری حرکت جاری با جنبش ۶۸ متفاوت است. و این تفاوت تنها در خواست ها یا آرزوهای جوانان برای تغییر جامعه نیست؛ مهم تر از همه نیروی یک طبقه کارگر متحد و قدرتمند در مقطع مه ۶۸ است که امروز، با اینکه این طبقه بیش از هر زمان دیگر به چنین دینامیسم مبارزاتی نیاز دارد، فقدان آن احساس می شود.

مبارزه با قانون استخدام ویژه جوانان (که با مقررات دیگری شبیه به سابق جانشین شده) بی تردید به پیروزی رسیده است، اما بحران قانون استخدام هنوز پا بر جاست. چون قرارداد استخدام جدید در بنگاههای کوچک کمتر از بیست نفر (معادل همان قرارداد استخدام برای جوانان) بر جای خود باقی است. جوانی که از شر آن قانون رها شود به احتمال زیاد به جنگ این قانون، که پیر و جوان نمی شناسد، خواهد افتاد. بعضی از کنفدراسیون های کارگری و در راس آنها (س ژ ت) پیمان بسته اند که مبارزه علیه این قانون را در برنامه عمل فوری خود قرار دهند، همچنانکه کارزار با کل قانون "برابری فرصتها"، که برخی از مفاد آن شرایط کار آغاز قرن بیستم را زنده می کند، خود را به دستور کار اتحادیه ها تحمیل خواهد کرد.

مبارزه بهار ۲۰۰۶ فرانسه بار دیگر نشان داد که «خیابان» با اتحاد و مقاومت به رویارویی با دولت و بزیر کشیدن رای پارلمان و نمایندگان "منتخب" تواناست. دموکراسی واقعی که در راه پیمانی ها و اعتصابات حمل می شود آنتی تر سیستم پارلمانی است، اما از چنان مشروعیت بی پایان و تکیه گاه اجتماعی و سیاسی برخوردار است که از آن داده ای غیر قابل چشم پوشی در این کشور ساخته است. به این ترتیب می توان ادعا کرد که تجربه ای از مناسبات اجتماعی و سیاسی در فرانسه که استخوان بندی آن بر سنیز و رویارویی قرار گرفته است نه تنها مسائل حیاتی جهان را در برابر دیگران می گذارد بلکه گاه راه حل آنها را هم نشان می دهد.

## کدام دموکراسی؟!

بر خواست خروج نیروی نظامی آمریکا از عراق، غیراشاراتی به انتشار کاریکاتورهای محمد که طی ماههای اخیر بحث برانگیز شده بود، از ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت و عواقب سیاسی آن از جمله احتمال اعمال نظامی بر علیه ایران نیز سخن به میان آمد.

نا گفته پیداست که مناقشه دولتهای غربی با دولت ایران با عنوان غنی سازی اورانیوم، خود پرده ساتری است که در پس آن سیاستهای پایه تری تعقیب میشود، چرا که دیگر تولیدسلاحهای کشتار جمعی هم در کنار دیگر کالاها جهانی شده است و این از انظار عمومی جامعه پنهان مانده است. در گیر و دار بررسی های اخیر بر سر پرونده اتمی، غیر از اظهار نظر رسمی دو طرف در گیر، که یکی بر حق ملی پروژه و دیگری بر چهارچوب کنترل بین المللی آن اصرار دارد، طبق خبر رسانه ها اما موضعگیریها و اقدامات دیگری بالا و پایین شد که غیر از اختلافات چین و روسیه با دیگر اعضای دائمی شورای امنیت یعنی آمریکا، بریتانیا و فرانسه بر سر بیانیه اولیه صادر شده، خبر ارسال قطعاتی از طرف ۴۱ شرکت آلمانی با تبعه روسی به ایران جهت برنامه اتمی، اظهارات رفسنجانی و انتقاد به شیوه حل قضیه اتمی توسط غرب تحت اینکه: گرهی که با دست باز میشود چرا با دندان مبیایست این کار را کرد، اعلام تیم جدید برای ترویج دموکراسی در ایران و تاسیس دفتر جدیدی برای ارتباط با محل تمرکز ایرانیان از سوی وزارت امور خارجه آمریکا و بالاخره مذاکره مستقیم ایران و آمریکا با وساطت حکیم و خلیلزاد در عراق ( هر چند اخیرا رایس اعلام کرده که آمریکا با ایران در افغانستان بارها مذاکرات امنیتی داشته اند ) و قبول تلویحی خامنه ای در مقام ولی فقیه با آن از زمره موارد جانبی قضیه اتمی بین غرب و ایران بود.

گذشته از تمامی اظهارات ضد و نقیض که فیما بین غرب و دولت ایران رد و بدل میشود و جدا از اینکه اقدامات تنبیهی آمریکا و غرب در مورد دولت ایران جنگ نظامی است یا تحریم اقتصادی، موضعی است یا تمام عیار و یا هر شکل محتمل دیگری که اینجا مد نظر نیست، آنچه دولت آمریکا و بوش بر آن اذعان دارند و به تکیه کلام همه آنها برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تبدیل شده

دموکراسی میباشد.

اگر نخواهیم به گذشته نه چندان دور یعنی اواخر جهان دوقطبی و اتخاذ نئولیبرالیسم به مثابه سیاست غالب جهانی برگردیم، سیاست جنگی آمریکا در چند سال اخیر در قبال عراق و افغانستان و نیز برخورد به مسائل کشورهای در حال توسعه در رابطه با ضرورت انطباق دادن خود با سیاستهای جهانی، همه تحت حکمت دموکراسی و دموکراتیزه کردن این جوامع صورت گرفته است. این دموکراتیزه کردن جدا از اینکه با چه روشی مقرون به صرفه است و ویژه گیهای محلی آن در هر کشور خاص کدامست، مستلزم ابزارهایی بوده است که از طریق آن بتوان استراتژی سرمایه جهانی متحقق شود. با همه اختلافهایی که بین بلوکهای رقیب در قبال اتخاذ سیاستی معین وجود دارد که این خود از ویژه گیهای دنیای معاصر، یعنی نظم نوین امپریالیستی است، اما تغییرات سیاسی از بالا و انطباق خط مشی دولت ها با آنچه تحت عنوان اصلاحات و دموکراسی، آن طور که تا همینجا در اکثر مناطق جهان و از جمله در خود کشورهای غربی شاهد بوده ایم، چیزی جز افزایش فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری، حمله به دستاوردهای قرن ۲۰ و به یک معنا جهانی شدن این این پدیده ها نبوده است و این یک تازی سرمایه در حالی است که اگرچه در مقابل، جنبش سوسیالیستی کارگران حضور اجتماعی ندارد، اما سیر رویدادهای اجتماعی در همین چند سال اخیر، آنجا که اتخاذ این سیاستها در زندگی روزانه جامعه وارد شده، نشان داده است که مخالفتهای اجتماعی به شدت گسترش داشته و تصویب تغییرات قوانین به راحتی آب خوردن برای سرمایه نبوده است و با تمام تلاش رسانه ها در پوشاندن آنها، این خیزشها صدای خود را آشکارا در جهان منعکس کرده اند، اعتراضات میلیونی در خیابانهای فرانسه در روزهای اخیر بر علیه سیاستهای دولت، شاهدهی بر این ادعاست.

با این توصیف عمومی از سیر رویدادهای اخیر و با توجه به حساسیت اوضاع سیاسی در ایران، آنچیزی که برای کارگران و زحمتکشان در ایران دارای اهمیت خواهد بود، تعقیب و بررسی این رویدادها و شناخت از تاثیرات آن بر منافع خویش در زندگی روزانه شان خواهد بود، خصوصاً آنجا که به محیط زندگی شان یعنی جامعه ایران بر میگردد.

اعمال سیاسی از بالا با هر نوع تغییرات در حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی یا

به عبارتی پروژه دموکراتیزه کردن ایران که در پشت مسئله اتمی اخیر نزد دولتهای آمریکا و اروپا یاد آوری شد، مثل تمامی موارد تاکتونی، سیلی از اظهار نظرها، اعلام مواضع، تلاشها و اقدامات مضاعف را نزد طیف راست مخالفین دولت احمدی نژاد در داخل و خارج، با خود به همراه داشته است که صرف نظر از اختلافات سلیقه ای نحوه اجرای اعمال فشار بر آن، اما دارای زیانی مشترک بوده اند که همانا دموکراسی در چهار چوب تمامیت ارضی ایران است. اما با توجه به عملکردها، بیانیه ها و تشریح عملی کردن این دموکراسی نزد آنها، میتوان به راحتی دریافت که دموکراسی آنها از بالا، بدون دخالت سیاسی مردم زحمتکش از پایین، بدون احتساب نماینده های تشکلهای برگزیده کارگران و زحمتکشان است، چرا که به زعم آنان دموکراسی و حکومت کردن کار نخبگان است و استراتژی دیگری را تعقیب میکند که هیچ خوانایی با منافع مردم زحمتکش در ایران ندارد.

پس از آنکه کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا اختصاص بودجه ای در رابطه با فعالیتهای دیپلماسی مربوط به ایران تا رقم ۷۵ میلیون دلار را اعلام کرد، جنب و جوشی در میان مخالفین سیاستهای فعلی دولت احمدی نژاد به راه افتاد و هر یک به نحوی خود را با دموکراسی دولت آمریکا هم آغوش یافت.

اگر از تلاش جریانات راست که در قالب فرد یا کانال تلویزیونی و فرستنده رادیویی شامه خود را برای بهره جستن از بودجه اختصاصی دموکراسی در ایران از طرف دولت آمریکا تیز تر کردند که بگذریم، اما هر یک به نحوی در مدح و ثنای دموکراسی آمریکا و تنها نگذاشتن مردم به تنگ آمده در ایران از طرف دولتهای امپریالیستی خطبه ای سر دادند. علی افشاری و اکبر عطری از دانشجویان اصلاح طلب که در سنای آمریکا، در جلسه ای با عنوان افقهای دموکراسی در ایران، سخنرانی میکردند در مقابل استبداد حاکم در ایران، از جامعه جهانی برای تحمیل انتخابات آزاد به جمهوری اسلامی و حمایتهای مادی و معنوی از مطالبات دموکراتیک مردم ایران طلب حمایت داشتند. از ایرانیان مقیم آمریکا در لوس آنجلس که مرکز فعالیت سلطنت طلبان است شنیده میشود که با ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت و اختصاص بودجه دولت آمریکا برای

## کدام دموکراسی؟!؟

کمک به دموکراسی در ایران، جنب و جوشی بپاست که بی شباهت به اوائل حمله نظامی آمریکا به عراق نیست که در آن شعار میدادند نوبت بعدی ایران است. اتحاد جمهوریخواهان ایران در بیاتیه ای با تیتیر «منافع و امنیت ملی ایران در خطر است» به تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۰۶، نگرانی خویش را از احتمال حمله نظامی به ایران اظهار داشته و موثرترین راه پایان دادن به بحران هسته ای را تمرکز همه فشارهای داخلی و خارجی برای وادار کردن هیات حاکم به قبول پذیرش پیشنهادات آژانس بین المللی انرژی اتمی، رعایت حقوق بشر و غیره است. در سایت اینترنتی سازمان اکثریت بنام اخبار روز به تاریخ ۹ مارس ۲۰۰۶ مطلبی تحت عنوان «آزادی خواهان ایران و استفاده از امکانات جهانی» درج شده است که میگوید: «در چنین شرایطی تاکید بر این نکته که مقابله با این حکومت و استقرار دموکراسی در ایران، تنها کار خود مردم ایران است، یک سیاست انزواجویانه است که چشم انداز موفقیت آمیزی ندارد. جنبش دموکراتیک در ایران باید هم خود متقاعد شود و هم نیروهای دموکراتیک و دولتها در سراسر جهان را متقاعد سازد که برای رفع استبداد و استقرار دموکراسی در کشور، مردم ما عمیقاً و وسیعاً به کمک جامعه بین المللی نیاز دارد و غیره». محمد ارسنی از شیگاکو در مطلب کوتاهی با عنوان «دیگر خیلی دیر شده است» در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ نگرانی خود را از احتمال بسته شدن راه حل دیپلماسی فشار آمریکابرایران ابراز کرده و با انتقاد از تمامی راههایی که منجر به حاد شدن روابط ۲ کشور گردیده، همگان را فرا خوانده است که با قبول اشتباهات تا کنونی برای حل مشکل ایران بکوشند که چه بسا شاید همه درها بسته نباشد. و بالاخره مطلبی از جمشید طاهری پور با عنوان «پارلمان در تبعید ایرانیان» انتشار یافته که طرح استراتژیک تشکیل نهاد نماینده گی برای اپوزیسیون است. وی به منظور رفع حکومت دینی و تحقق دموکراسی در ایران و برای نهادینه کردن پارلمان در تبعید، راههایی را پیشنهاد میکند که از جمله برپایی جنبش فراراند از طریق دیا لوگ بین کل اپوزیسیون بر پایه دموکراسی برای ایران و ایران برای همه ایرانیان است و غیره.....

دموکراسی به معنای ایده لیبرالی که با

انقلاب بورژوازی در مقابل فنودالیسم، اشرافیت ملوک الطوائفی و اشکال ماقبل سرمایه داری خود را متحقق کرد جدا از اینکه چه نهادهایی را در جامعه مستقر کرد و چه چیزهایی را با خود به همراه داشت قبل از هر چیز رفع موانع موجود تاریخی در آزادی مالکیت خصوصی بود، امری که با استقرار شیوه تولید سرمایه داری در مقابل آزادی مالکیت اجتماعی قرار گرفت. دموکراسی نه از منظر عبارت پردازی و مفهوم کلی که امری عوامفریبانه است بلکه از منظر واقعی، اجتماعی و طبقاتی، آنجا که به زندگی انسانها در جامعه گره خورده است معنی میدهد. از این رو دموکراسی دو دسته است یا ابزاری به منظور رفع موانع استقرار و نهادینه کردن مالکیت خصوصی در خدمت بورژوازی (اقلیت بسیار ناچیزی از مردم در جامعه) و یا ابزاری به منظور رفع موانع و استقرار و نهادینه کردن مالکیت اجتماعی که در خدمت اکثریت قریب به اتفاق مردم در جامعه یعنی کارگران، زحمتکشان و حقوق بگیران میباشد.

نیروهای راست و ارتجاعی طرفدار تحقق دموکراسی در ایران، طرفدار تمامیت ارضی ایران و طرفدار آنچه جامعه بین الملل مینامند یعنی دولتهای سرمایه داری امپریالیستی، تغییر وضعیت سیاسی جامعه ایران را با فشار بین المللی، نظامی یا غیر نظامی و سوار شدن بر جنبشهای اعتراضی تعقیب میکنند، همچنان که در تاریخ معاصر سیر رویدادهای اجتماعی ایران شاهد بوده ایم، این استقرار چنان شرایط مطلوبی است که بتوانند بر گرده جامعه سوار شوند، نیروی آنها را به خدمت گیرند و شرایط باز تولید مالکیت خصوصی در ایران را طوری نهادینه کنند تا از ادغام در دنیای سرمایه داری غافل نمانند، این کل آن دموکراسی است که طبیف راست اپوزیسیون مد نظر دارند.

کارگران و مردم زحمتکش ایران، چه در تجربه کار و زندگی خویش و چه در سیر رویدادهای سیاسی و تاثیر آن بر سرنوشتشان، دیگر میبایست به دو نکته پی برده باشند که دیگر به عبارت پردازیهای عوامفریبانه، نظیر تحقق دموکراسی برای مردم ایران و امثالهم اعتماد نکنند و بدین منظور تلاششان برای رسیدن به اهدافشان از جمله تحقق آزادی در ایران را بر دو نکته اساسی بنا سازند: یکی متشکل شدن و دخالت فعال در انتخاب نماینده های خویش از پایین و دیگری وقوف به جهت سیاسی این تشکلهای بر مبنای منافع اکثریت عظیم جامعه، این آن ملاکی است که نشان میدهد کدام گرایش

سیاسی منافعش با آزادی و دموکراسی مردم زحمتکش گره خورده و ریگی به کفش ندارد\*.

فروردین ۸۵

\*\*\*\*\*

بقیه از صفحه ۱

## هشت مارس در ایران

اما با این وجود، امسال برگزاری ۸ مارس در ایران در اوضاع و احوالی که قوانین ارتجاعی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زندگی روزانه را بر زنان تباه می کنند، نشان داد که افقهای تازه ای در مسیر مبارزات آنان گشوده شده است. با جنب و جوش مبارزات کارگران در ایران حول ایجاد تشکلهای خویش بویژه اعتصابات اخیر شرکت واحد و یورش همه جانبه دولت نظامی احمدی نژاد به آن، جنبشهای دیگر در دفاع از آن، هر چند محدود، از خود واکنش نشان دادند. در کنار جنبش دانشجویان، جنبش زنان نیز به دفاع از کارگران برخاست. مبارزه برای ایجاد تشکل کارگری در ایران که خود قبل از هر چیز تقویت مبارزه برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی خواهد بود، در جنبش زنان نیز انعکاس یافت. آنجا که خواست دستمزد برابر در ازای کار برابر و بیمه های اجتماعی برای زنان کارگر مطرح میشود، امیدی تازه در توده وسیع زنان کارگر و زحمتکش بر می انگیزد که با اعتماد به نفس خود را در کنار جنبش کارگری بیابند؛ و افق مبارزاتشان را در مسیری قرار دهند که نه تنها از لحاظ حقوقی در مقابل قوانین ارتجاعی مذهبی در ایران قرار گیرد، نه تنها بسمت برخورداری از آزادیهای فردی و اجتماعی رهسپار شود، بلکه بسوی رفع تبعیضات اقتصادی رایج در سیستم اسلامی سرمایه بر مبنای جنسیت و کسب حقوق رفاهی رهنمون گردد.

ما ضمن حمایت از مبارزات زنان برای به کرسی نشاندن خواسته هایشان از جمله حق تجمع و تشکل و اظهار وجود در جامعه، یورش اوباشان و مزدوران رژیم اسلامی را به تجمعات ۸ مارس محکوم نموده، و با درج گزارشات و قطعنامه های مراسمهای امسال در این شماره به پیش! (صفحات ۱۴ تا ۱۷) سهم اندک خود را در این زمینه ادا می کنیم\*.



## اعتصاب سراسری در آلمان

مینا فرخنده (گزارش خبری)

از تاریخ ۱۵ فوریه بزرگترین اعتصاب سراسری در جریان است، که طی ۱۴ سال گذشته بی نظیر بوده و سازمان دهنده آن (Verdi) (وردی) اتحادیه سراسری کارگری آلمان است. سیاست حاکم بر این اتحادیه تنظیم توافق نسبی بین دو طرف، کارگران و کارفرمایان بوده است. اعتصاب در حالی روی می دهد که با افزایش بحران سیاسی - اقتصادی در آلمان طی سالهای اخیر و با اجرای طرح اصلاحات در زمینه های مربوط به کار و بهداشت، بیمه های اجتماعی، آموزش و پرورش تا همینجا به بهای از دست رفتن دستاوردهای بسیاری در جامعه بوده است.

قانون هارتز ۴ که طرح جلوگیری از افزایش بیکاری ۵ میلیونی در جامعه را مد نظر داشت، مستقیماً با حمله به دستمزدها و کاهش آن، که به جرات میتوان گفت به نصف تقلیل یافته است و نیز افزایش ساعت کار و اخراج، بیشترین اعتراضات در جامعه را با خود به همراه داشته است، اعتصاب یک هفته ای کارگران در شهر بخوم که به اعتصاب وحشی معروف و خارج از مدار قانونی و اتحادیه ای که طی ده های اخیر بی نظیر بوده از آن جمله است.

"وردی" از مدتهاست که برسر تعیین قرار داد جدید کار و علیه طرح بالا رفتن ساعات کار از ۳۸ و ۴۰ ساعت در هفته و حذف مزایا از جمله "عیدی و حق مرخصی،..." با اتحادیه نماینده کارفرمایان نشستها و مذاکرات بی نتیجه ای داشته است. بهمین دلیل اتحادیه کارگران طرح اعتصاب سراسری را به اجرا در آورد، با اعتماد و اطمینان به اینکه صندوق اعتصاب اتحادیه به اندازه ای موجودی دارد تا بتواند مخارج این اعتصاب را برای مدت طولانی تامین کند.

از مشخصات این اعتصاب موجی و پی در پی بودن آن است: " یعنی با برنامه ریزی در شهر ها، در زمانهای معین و در بخشهای مختلف با مدتهای محدود و از قبل تعیین شده انجام می گیرد." این اعتصاب ها در بخش های خدماتی جریان

دارند.

قصد وردی، تحت فشار قرار دادن اتحادیه نماینده کارفرمایان برای پذیرش شرایط مطرح شده از طرف این اتحادیه است و با در نظر گرفتن این فرمول که ۴۰ ساعت کار در هفته، یعنی ۱۸ دقیقه کار اضافه روزانه، یعنی ۵ و ۱ ساعت در هفته، یعنی ۱۰ روز در سال، یعنی ۸۰۰۰ هزار شاغل کمتر، اعلام می کند: "با بالا رفتن ساعات کار خطر اخراج شدن شاغلین بیشتر و بالا رفتن سطح بی کاری در جامعه است. اما اتحادیه کارفرما ها در تقابل بر" مقروض بودن و نداشتن پول و موجودی و اینکه ما می بایست سرمایه مان را پس انداز کنیم!" تاکید می کند.

طبق ادعای خبرگزاران، مذاکرات در محیط خیلی دیپلماتیک و آرام انجام می شود.

اعتصاب در ایالت های "زاکسن، نردهاين و استفالن، نیدرزاکسن، برمن، زارلند، بایرن، بادن - وورتمبرگ، راینلند، و وورتمبرگ" جریان دارد.

### موج اول اعتصاب:

اعتصاب با شرکت ۲۲ هزار نفر آغاز شد که این رقم در هفته دوم به ۴۰ هزار نفر رسید. تنها در شهر های "اسن، بن، آخن" ۳۰ هزار پرستار، آشپز و فنی کار... و در ایالت زارلند ۳۰۰۰ شاغل در بخشهای راه و جاده سازی و کلینیک دانشگاه ها، شهرداری دست از کار کشیدند.

### موج دوم اعتصاب:

در ایالت بادنورتمبرگ شاغلان جاده سازی و دانشگاه ها، مدارس عالی دست از کار کشیدند. در شهرشتوتگارت اعتصاب شهرداری این شهر همراه با تظاهرات خیابانی بود. از تاریخ اول مارس اعتصاب در شهرداری های نیدرزاکسن متوقف شد، و بخشهای خدماتی مثل استخرها، فرهنگ خانه ها دست از کار کشیدند.

در هانوفر قطارها و اتوبوس های مسافر بری شهری (برای اعتراض به این گفته نماینده اتحادیه کارفرمایان که "شما فقط ۲۰ هزار نفر هستید اما شاغلین ما ۳۰۰ هزار نفر بیشتر هستند، که آنها مشغول کارند.") به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند.

در این اعتصابات پلیس و دولت خود را بطور مستقیم داخل نکرده اند و جناح های دولت ظاهراً برسر شیوه برخورد به این

اعتصاب اختلاف نظرهایی دارند. جناح سوسیال دمکراتها از افراط بیش از حد محافظه کاران شاکی هستند و به نظرشان این افراط گرایی شرایط را وخیم تر می کند.

مطبوعات، رادیو، تلویزیون به شکل منفی و غیر مستقیم فشار بر اعتصابیون، و اتحادیه را سازمان می دهند. مدام در اخبار از نارضایتی مردم بخاطر کثیفی خیابانها، بسته بودن ورزش گاهها و ضررهای مالی شهر از این اعتصابها صحبت می شود و مسبب همه اینها، اعتصابیون رقم زده می شوند.

۹ مارس تظاهرات وسیع ۲۵ هزار نفری برای حمایت از "وردی" در هانوفر برگزار شد.

جمعه ۱۷ مارس، در ایالت نیدرزاکسن دو طرف دعوا به این توافق رسیدند که برای کارگران شهرداری بها و مرییان مهد کودک ها و پرستاران بیمارستان ها ساعت کار ۳۸.۵ ساعت در هفته باشد ولی در عوض ادارات دولتی ۳۹ ساعت در هفته کار کنند. بنابر این اعتصاب در این بخش ها پایان یافت، اما از آنجا که ساعت کار مکان های ورزشی و استخرها هنوز تعریف نشده است، این بخش ها همچنان در اعتصاب بسر می برند. طبق آمار رسمی دولتی این توافق نامه ۱۴۰ هزار نفر شاغل را تحت پوشش قرار می دهد، میانگین ساعت کار برای این عده شاغلین در کل ۳۹،۲۴ در هفته رقم زده شده است.

آنچه روشن است قانون ساعت کار در آینده دیگر از مرکزیت برخوردار نخواهد بود، هر ایالت، شهر برای خود در این زمینه مستقل عمل خواهد کرد و ساعت کار گاهها بر حسب سن یا شغل یا درآمد ویا سابقه کار متفاوت می شود. مبارزه برای کاهش ساعت کار در ایالت ها هنوز با وسعت در جریان است.

### موج سوم اعتصاب:

مسئله، قرار داد جدید کار و تعیین حد دستمزدهاست.

۲۲ مارس تظاهرات اعتراضی پزشکان برگزار شد، آنها خواهان ۳۰٪ افزایش دستمزد ها هستند. تحت عنوان اینکه کادر اصلی ارائه دهنده خدمات درمانی در بیمارستانها می بایست از حداکثر درآمد ممکن برخوردار باشند.

## سرمایه باز هم قربانی گرفت

در تاریخ ۲۵|۱۲|۸۴ بر اثر ریزش تونل در حال حفاری برای فاضلاب شهری تهران در خیابان سعیدی مقابل درب پادگان جی ۸ تن از کارگران زیر آوار ماندند که ۶ تن از آنان زخمی و روانه بیمارستان شدند. و جسد دو نفر دیگر از کارگران پس از ۴۸ ساعت از زیر آوار بیرون آورده شد. طبق تحقیقات انجام شده در محل، ریزش تونل به دلیل عدم تمهیدات ایمنی و فشار کارفرما برای پیشرفت هر چه زودتر کار اتفاق افتاده است. امنیت و جان کارگران برای سرمایه ارزشی ندارد و آنچه در این سیستم دارای ارزش است تنها سود است. مسئولیت این حادثه و حوادث این چنینی متوجه کارفرماهاست. ما خواهان پرداخت غرامت به خانواده‌های این کارگران بوده و خواستار آنیم که مسببین این حادثه مورد بازخواست و محاکمه قرار بگیرند. بگونه‌ای که این اتفاقات ناگوار برای طبقه کارگر ایران کاهش پیدا کند.

### کمیته پیگیری برای ایجاد شکل های آزاد کارگری در ایران

۸۴|۱۲|۲۸

azaditashakol@yahoo.com

\*\*\*\*\*

بقیه از صفحه ۹

## اعتصاب سراسری در آلمان

صنایع فلزو الکترونیک "IGM" ۲۸ مارس اعلام اعتصاب کوتاه مدت کردند. شرکت های بوش، زیمنس، مرسدس، اپکو در شهر های مختلف جزء این صنایع هستند. آنها خواهان ۵٪ افزایش دستمزدها هستند، اما اتحادیه کارفرمایان با ۱،۴٪ افزایش دستمزد موافق است.

آخرین خبر حاکی از آن است که دو طرف دعوا یعنی "وردی" و اتحادیه کارفرمایان روز ۶ آپریل با هم جلسه مشترک خواهند داشت. این در حالی است که در مناطقی همچنان اقداماتی از طرف "وردی" در دست اجرا است.\*

۲۸ مارس ۲۰۰۶

های جانب دارانه را نادیده گرفتند.

در مدت گروگان گیری زنان کارگر حضور فعالانه ای در تجمع و نگهبانی و مجامع عمومی داشتند.

کارگران پس از تعطیلی کارخانه و با گذشت بیش از دو سال مبارزه و کشمکش به خوبی در یافته اند، که تنها با مبارزه خود می توانند به نتیجه برسند و هر گاه دست به اقدامی عملی زده اند، توانستند بخشی از حقوق خود را دریافت نمایند.

بالاخره پس از یک هفته استقامت و پایداری و تهدید کارگران به اقدامات دیگر برای رسیدن به مطالباتشان، قبه و حامیانشان عقب نشینی کردند و نقشه مورد نظر را به شهرداری تحویل دادند و بدین شکل گروگان گیری پایان یافت.

در حال حاضر تعداد زیادی از کارخانه ها، در جریان خصوصی سازی شرایط مشابهی با کارگران الکترونیک دارند و تجربه کارگران الکترونیک ثابت کرده که تنها با مبارزه و تداوم آن است که می توانند دستمزدهای عقب مانده شان و سایر مطالباتشان را بگیرند.\*

### اتحاد کمیته های کارگری (کمیته گیلان)

### آدرسهای تماس مستقیم با

### اتحاد سوسیالیستی کارگری:

wsu@home.se

شورای مرکزی:

shoramarkazi@yahoo.fr

کمیته خارج:

wsu-t.xarej@home.se

تلفن:

0046-739-397-143

## گزارش گروگان گیری و تداوم مبارزه کارگران الکترونیک رشت

پس از مدتها وعده دادن و کشاکش بین کارگران و قبه و دولت، که در نهایت با توافقی مبنی بر دادن قطعه ای از زمین بزرگ کارخانه به کارگران به عنوان مطالباتشان به مرحله دیگری رسیده بود. اما در همین مورد نیز قبه و نمایندگانش به بهانه های مختلف وقت را تلف می کردند تا کارگران را خسته و نا امید کنند. ارگانهای دولتی نیز عملاً از قبه حمایت می کردند و کارگران را در یک مبارزه فرسایشی قرار دادند.

با لایحه بعد از مدتها مبارزه و پیگیری کارگران، هنگامی که قرار بود نقشه قطعه زمین ذکر شده توسط نماینده قبه (علی زاده) به شهرداری ارائه شود (در تاریخ ۱۱|۱۲|۸۴) به عمد نقشه ای اشتباه را ارائه داد تا چند ماه دیگر کارگران را سر بدوانند.

کارگران با دیدن این صحنه در شهرداری، صبرشان لبریز شد و در محل شهرداری علی زاده را سوار اتومبیل کردند و به محل تعاونی کارخانه الکترونیک بردند و اعلام کردند تا زمانی که نقشه اصلی توسط قبه فرستاده نشود، علی زاده به عنوان گروگان نزد آنان باقی خواهد ماند.

دیگر کارگران الکترونیک نیز از این حرکت حمایت کردند و به شکل دسته جمعی و شایقی و به طور شبانه روزی در محل تعاونی می ماندند. به طور متوسط ۷۰ تا ۱۰۰ نفر از کارگران در محل تعاونی می ماندند و به نگهبانی می پرداختند تا چنانچه نیروهای انتظامی تعرض کنند به دفاع بپردازند و به دیگران خبر دهند.

نیروهای امنیتی که از یک طرف نگران درگیری در شهر و فراگیر شدن مبارزه بودند و از سوی دیگر سعی داشتند با بی توجهی کارگران را خسته و منصرف نمایند. اما کارگران پیگیرانه به مبارزه خود ادامه دادند و وساطت و میانجی گری

## بر کارگران شرکت واحد چه گذشت؟ (همراه چند نکته آموزشی در مورد چگونگی برخورد کارگران در زندان)

هم اکنون همراه منصور اساتلو که از تاریخ ۱۰/۱/۸۴ (اعتصاب اول شرکت واحد) همچنان در اوین زندانی است، در زندان به سر می برد.

تبعیت از گروه های سیاسی سرنگونی طلب بوده تا بتوانند آنان را با اتهام تفهیم نشده براندازی مرعوب و مجبور به ندامت از اعتصاب و دست کشیدن از مطالبات خود کنند. با آن که منصور اساتلو در یکی از همین سلول های ۲۰۹ زندانی است و کارگران صدای او را شنیده اند اما هیچ یک از کارگران او را ندیده اند و از وضع او و اتهام هائی که به او زده اند خبر ندارند. حتی وکلای او نیز تا کنون نتوانسته اند وی را ببینند. اما به رغم تمام این فشارها و با توجه به روحیه کارگران آزاد شده، یک نکته مسلم است و آن این که زندان نتوانسته روحیه کارگران را در هم شکند و آنان را از تعقیب خواسته هایشان باز دارد.

ما در آینده تحلیل خود را از اعتصاب کارگران شرکت واحد و بررسی زمینه های سرکوب گسترده این اعتصاب را تا آن جا که به حرکت فعالان شرکت واحد مربوط می شود؛ ارائه خواهیم داد. اما در این جا به اشاره به چند نکته آموزشی در مورد چگونگی برخورد کارگران هنگام دستگیری و در زندان اکتفا می کنیم:

از آن جا که چه در مورد کارگران شرکت واحد و چه در مورد سایر فعالان کارگری که در سال های اخیر دستگیر و زندانی شده اند موارد بسیاری از نا آشنائی حتی با حقوق ابتدائی هر شهروند دیده می شود و بازجویان بر بستر سوء استفاده از همین نا آگاهی می توانند فعالان کارگری را به مجرای مورد نظر خود بکشانند و آنان را به دست کشیدن از خواسته های بر حق خود وادارند، و از آن جا که جنبش کارگری به دلیل پاسخ نگرقتن مطالباتش همچنان رو به اعتلا می رود و ما در آینده باز هم شاهد دستگیریهای هر چه بیشتر کارگران خواهیم بود، ذکر چند نکته را برای آشنا ساختن کارگران با حقوقی که حتی در قانون اساسی خود جمهوری شناخته شده است، ضروری می دانیم.

۱. باز داشت و هم چنین تفتیش خانه فقط با حکم کتبی قوه قضائیه که به امضای یک قاضی رسیده باشد امکان پذیر است و کارگرانی که بازداشت می شوند باید قبل از هر چیزی این حکم را از مأموران بخواهند.

۲- موضوع اتهام باید بلافاصله و با ذکر دلیل به طور کتبی به فرد بازداشت شده ابلاغ شود و این فرد را تا قبل از تشکیل پرونده مقدماتی فقط حداکثر تا ۲۴ ساعت می توانند در زندان نگاه دارند.

اما در زندان اوین چه گذشت؟ کارگران در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ (که زیر نظر اطلاعات است) زندانی بوده اند. پس از حدود ۲۹ روز تحمل سلول انفرادی، آنان را به صورت ۲ یا ۳ نفر به انفرادی های بزرگ تر منتقل کرده اند. در این سلول ها گاه زندانیان دیگر نیز در کنار کارگران بوده اند، اما به هر حال کارگران شرکت واحد در بندهای عمومی نبوده اند و نیستند. بازجویی ها و بازرسی ها از همان زمان ورود کارگران به سلول انفرادی شروع شده است. کارگران را با چشم بند و رو به دیوار بازجویی می کرده اند. هر یک از کارگران چندین جلسه بازجویی داشته که تا همین اواخر و چند روز پیش از آزادی یعنی مدت ها پس از تفهیم اتهام ادامه داشته است. هر جلسه بازجویی چندین ساعت به درازا می کشیده است. بارها کارگران را در ساعات ۲ یا ۳ بعد از نیمه شب از خواب بیدار می کرده و به بازجویی می برده اند. این بازجویی ها در مواردی همراه با توهین و تحقیر کارگران بوده است، که البته کارگران این اجازه را به بازجویان نمی داده و آنان را مجبور به عذرخواهی می کرده اند. برخی از کارگران، برای مثال علی زادحسین و یعقوب سلیمی، مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. در مقابل، کارگران مورد ضرب و شتم قرار گرفته نیز به شکل های مختلف از خود دفاع کرده اند. یعقوب سلیمی از جمله کارگرانی بوده که وقتی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته چشم بند خود را کنار زده و با مشت و لگد به جان بازجو افتاده است. بعضی از کارگران را نیز مجبور می کرده اند که پیراهن و زیر پیراهن خود را در آورند و لبه شلوار خود را بالا بزنند و در چنین وضعیتی از آنان بازجویی می کرده اند. از جمله اتهام هائی که به کارگران زده اند " اقدام علیه امنیت ملی" و " تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" بوده است. اما به رغم این "تفهیم" اتهام و محدودیتی که برای بازجو ایجاد می کند بازجویان هر سوالی را که خواسته اند و ربطی به اتهام های فوق نداشته است از کارگران کرده اند و کارگران نیز اکثراً به سوال ها جواب داده اند. در اکثر موارد، تلاش بازجویان بر آن بوده که به کارگران القا کنند که از خارج کشور پول گرفته اند و اعتصاب آنان به

به نقل از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

در پی اعتصاب کارگران شرکت واحد در ۱۱/۱/۸۴ دستگیری گسترده کارگران، که به شکل های مختلف از بازداشت دسته جمعی کارگران در مناطق شرکت واحد گرفته تا هجوم به خانه های کارگران و گروگان گرفتن زن و فرزند برخی از آنان و شنودهای تلفنی و تعقیب و مراقبت و دستگیری در خیابان صورت گرفت و از شب قبل از اعتصاب تا چند روز پس از آن ادامه داشت، بیش از ۱۳۰۰ نفر از کارگران دستگیر شدند که فقط یک مورد آن بازداشت بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران منطقه ۴ شرکت واحد بوده است. حجم دستگیریها چنان گسترده بوده که در زندان اوین جا برای نگه داری دستگیر شدگان نبوده و بسیاری از آنان در جاهائی چون پادگان حشمیه و حتی مسجد شرکت واحد زندانی شدند. بسیاری از دستگیر شدگان در همان روزهای اول بازداشت آزاد شدند. از این تعداد جز حدود ۵۰ نفر که از ورود شان به مناطق جلوگیری می شود و تا کنون به سر کار بازنگشته اند، بقیه مشغول کار شده اند. هم چنین، برای ۴۶ تن از کارگران که از اعضای هیئت مدیره و فعالان سندیکای کارگران هستند حکم خاتمه خدمت و در واقع اخراج صادر شده بی آن که این حکم حتی مراحل قانونی خود شرکت واحد را طی کرده باشد و بی آن که این حکم حتی به خود کارگران ابلاغ شده باشد. جمع دیگری از کارگران دستگیر شده به تناوب و پس از از تحمل کم و بیش یک ماه زندان آزاد شدند. آخرین گروه آزاد شدگان پس از اخذ وثیقه های ۲۰ میلیون تومانی (که ابتدا ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود اما با اصرار خانواده های کارگران به ۲۰ میلیون تغییر یافت) در روزهای ۲۸ و ۲۹ اسفند ۸۴ و اول فروردین ۸۵ از زندان بیرون آمدند: ابراهیم مددی و یعقوب سلیمی اعضای هیئت مدیره سندیکا روز ۲۷، منصور حیات غیبی و غلامرضا میرزائی و ابراهیم گوهری اعضای هیئت مدیره سندیکا و ستار امینی فلزکار مکانیک روز ۲۸، و افشین بهرامی کارگر ایران خودرو روز اول فروردین. اما هنوز ۲۴ ساعت از آزادی منصور حیات غیبی نگذشته بود که او دوباره دستگیر شد و

## نامه سندیکای شرکت واحد به احمدی نژاد

به نقل از سایت اتحاد بین المللی در دفاع از کارگران در ایران  
احتراما به آگاهی می رساند سندیکای کارگران شرکت واحد مطابق با اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منشور جهانی حقوق بشر و مقوله نامه ۷۸ حقوق بنیادین کار، سازمان بین المللی کار و منشور جهانی سندیکایی و عرف پذیرفته شده کارگری به عنوان یک نهاد واقعی و مستقل کارگری با سابقه ای بیش از چهل و پنج سال با تحمل فشارها و سختی ها و رنج های دوران ساواک شاهنشاهی، تا آن جا که توان داشته است از حقوق صنفی زحمتکشانش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دفاع کرده و در بهتر کردن شرایط کار و زندگی کارگران و عدالت اجتماعی تلاش نموده است که متأسفانه به علت شرایط خاص دوران اول انقلاب ناخواسته از فعالیت باز ماند. اما با افزایش روزافزون مشکلات کارگری در شرکت واحد، کارگران بار دیگر با برگزاری انتخابات در خرداد ۱۳۸۴ و با وجود موانع و مشکلات بسیار نظیر اخراج، تبعید و زندان، سندیکای خود را بازگشایی و فعال نمودند. حال با توجه به ناروایی های بسیار نظیر بازداشت ها و اخراج ها و حتی ضرب و شتم و هتک حرمت و زندانی کردن همسران تعدادی از کارگران و قطع حقوق و دستمزد کارگران در جریان اعتراضات صنفی کارگران در سال ۸۴ به ویژه در بهمن و اسفند ماه، و با عنایت به مسئولیت ناشی از اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی و دیگر اصول این قانون از شما درخواست می گردد، دستور فرمائید شرایط آزادی افراد زندانی و بازگشت به کار کارگران اخراجی و پرداخت دستمزد و حقوق معوقه آنان ایجاد و با هماهنگی با قوه قضائیه و قوه مقننه هیأت ویژه ای جهت رسیدگی و حل ریشه ای مسائل و مشکلات مختلف موجود، تعیین گردد. کارگران امیدوارند که حقوق شهروندی، حقوق کارگری و انسانی آن ها رعایت گردد.

باتشکر

سندیکای کارگران شرکت واحد  
اتوبوسرانی تهران و حومه  
۱۹ فروردین ۱۳۸۵

مواردی چون ضرب و شتم، در آوردن لباس، زدن چشم بند، بازجویی رو به دیوار، نگه داری در سلول انفرادی که از مصادیق بارز شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع است اعتراض کنند و بازجویان را به رعایت قانون خودشان مجبور کنند.

۵- تفتیش عقیده ممنوع است. اصل ۲۳ قانون اساسی می گوید:

" تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه فرار داد."

بنا بر این کارگران می توانند به پرسش های عقیدتی بازجویان و قضات در هر موردی از جمله اعتقاد یا عدم اعتقاد به خدا، اسلام، جمهوری اسلامی و ... پاسخ ندهند و این پرسش ها را غیرقانونی اعلام کنند.

۶- یکی از شگردهای بازجویان در برخورد با فعالان کارگری این است که با کشاندن آنان به مجرای وابستگی و تعلق تشکیلاتی به گروه ها و سازمان های سرنگونی طلب و زدن اتهام برانداز به آنان فعالیت آن ها را به عنوان فعال کارگری منفی کنند و تحت پوشش این که مطالبات کارگران براندازانه است صدای کارگران را خفه کنند و اجازه طرح مطالبات حق طلبانه کارگران را به آنان ندهند. در مقابل این شگرد، فعالان کارگری باید این دو مسئله را از هم تفکیک کنند و ضمن تأکید بر حق هر کارگر در داشتن هر گونه گرایش سیاسی از جمله گرایش سوسیالیستی اتهام براندازی را انکار کنند اما فعالیت به عنوان فعال کارگری را حق طبیعی و مسلم خود اعلام کنند.

این موارد را- نه فقط با استناد به قوانین جمهوری اسلامی بلکه با تکیه به اعلامیه جهانی حقوق بشر- می توان ادامه داد. اما تفصیل آن به بحث های بیشتری نیاز دارد که ما امیدواریم در آینده به آن بپردازیم.

کمیته هماهنگی برای ایجاد

تشکل کارگری

۱۳۸۵/۱/۱۲

[www.komitevehamahangi.com](http://www.komitevehamahangi.com)  
[komiteye\\_hamahangi@yahoo.com](mailto:komiteye_hamahangi@yahoo.com)

بقیه از صفحه ۱۱

## بر کارگران شرکت واحد چه گذشت؟

اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید:

" هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود."

بنا بر این کارگر بازداشتی به محض بازداشت می تواند اتهام خود را بپرسد و در صورتی که ظرف ۲۴ ساعت او را به دادگاه نفرستند به این امر اعتراض کند. واداشتن مأموران رژیم به ابلاغ اتهام این حسن را دارد که بازجو یا بازرس یا قاضی را موظف می کند که فقط در چارچوب اتهام ابلاغ شده سوال کند و متهم می تواند به پرسشهایی که به موضوع اتهام مربوط نمی شود پاسخ ندهد.

۳- بازجو، بازپرس، قاضی و هیچ یک از دیگر مأموران رژیم نمی توانند به زندانی توهین کنند. در اصل ۳۹ قانون اساسی آمده است:

" هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است."

بنا بر این کارگر زندانی می تواند و باید به محض آن که بازجو یا بازپرس یا قاضی یا را از محدوده نزاکت و ادب فراتر نهد به او تذکر بدهد و رعایت ادب را از آنان طلب کند.

۴- اصل ۳۸ قانون اساسی هرگونه شکنجه را ممنوع کرده است:

" هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است: متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود."

بنا بر این کارگران می توانند و باید به

**"خانه کارگر" و "شوراهای اسلامی" منحل باید گردند!**



## جهش بزرگ چین

چین نیز مانند تمام کشورهای سرمایه داری پیشرفته جهان امروز "راه کلاسیک سرمایه داری" را می پیماید یعنی بر بستری از فقر و ناداری، فلاکت و تیره روزی میلیونها کارگر و جونی از خون و چرک انسان راه خود را به سوی قله ترقی می گشاید و طولی نخواهد کشید که به قطبی قدرتمند در جهان سرمایه داری و ابر قدرتی در آسیا تبدیل شود.

چین کنونی درست به همان اندازه که برای کارگران و بویژه کارگران معادن و نساجی هایش، که برایشان هر روز فاجعه می آفریند، گس و تلخ است، برای سرمایه داران مدافع دموکراسی و حقوق بشر در غرب "پیشرفته" شیرین، جذاب و تحریک کننده است.

مقاله زیر که در نشریه شماره ۶ سال ۲۰۰۶ ال او (LO) سازمان سراسری کارگران سوئد به چاپ رسیده است، "جهش بزرگ چین" را به سوی یک جامعه سرمایه داری پیشرفته بیان می کند، ولی سوال اصلی این است که این جهش در جهت منافع چه طبقا تی است؟ و این که آیا کارگران چین در نیمه راه گلوی این اژدها را نخواهند فترد؟ آینده قضاوت خواهد کرد، ولی ما نشانه هائی از این را از لابلای این نوشته هم می توانیم درک کنیم، و این امید بی پایه ای نیست!

### حمید قربانی

۲۰۰۶/۳/۱۵

\*\*\*\*\*

با دو دهه رشد بی وقفه اقتصادی، چین خود را از یک جامعه توده ای فقیر به یک جامعه با امکانات مادی در ابتدای رفاه عمومی رسانده است. این یک طنز تاریخی است که جهش بزرگی که روزی مانو در باره آن قضاوت کرده بود، اما پایان آن با گرسنگی و درد و رنج همراه بود، اکنون بوسیله ارث برندگان او با این کاپتالیسم جهانی شده چون ستونی از آهن بالا می رود.

از این دینامیکی که با شدت اتفاق می افتد سراسر دنیا مجذوب و ترسان است. روند تغییر در فورمهای کاپتالیسم کلاسیک اتفاق می افتد: نیروی کار ارزان بدون هیچگونه حقوق اتحادیه ای از روستاها به شهرهای به شدت کثیف و ویران برای اکار در صنایع با زمان کار طولانی، سرازیر شده است.

فاصله طبقاتی به شدت در حال ترقی و افزایش است. در حدود ۲۰ درصد از

جمعیت چین در حدود ۸۰ درصد از ثمره و نتایج اقتصادی را به خود اختصاص داده است. شدت فرق در آمد در چین از آمریکای سالار سرمایه داری بیشتر است. پیش بینی در مورد اقتصاد چین این است که در ۲۰ سال دیگر آمریکا را پشت سر خواهد گذاشت. این اتفاق همزمان با این می افتد که با کمی چشم پوشی، دومین کشور بزرگ جهان از نظر جمعیتی یعنی هند هم در چنین مسیر انفجاری قدم بر می دارد.

بر طبق نظر اقتصاددانان که اکنون ۲ اقتصاددان سوئدی ماتس پرسون و ماریانا راتسکی هم به آنها افزوده شده اند، صنایع و کار در غرب در آینده باید دور و بر این ۲ غول آسیائی که از نیروی کار ارزان و نیز با تحصیلات عالی هر چه بیشتری برخوردار می شوند به پرسه زدن بپردازند. چیزی که در عرضه نیروی کار در چین در حال رخ دادن است این است که سالانه بیشتر از ۱۷ میلیون نفر به نیروی کار افزوده می شود. بر طبق نظرات رایج اثرات چنین چیزی در غرب این خواهد بود که کارکنان صنعتی در مقابل ۲ انتخاب قرار می گیرند که یا شغل شان را از دست داده و یا با حقوق واقعی کمی باید کار کنند.

این به طور باورنکردنی گزافه گویی کردن است. اقتصاد به هیچ وجه یک الله کلنگ نیست. هیچ قانون طبیعی وجود نداد که بگوید هنگامی که وضعیت یکی بهتر شد، وضعیت دیگری بدتر خواهد شد. چین فقط یک صادرکننده نیست. چین در آینده می آید که هر چه بیشتر از خارج کالا بخرد.

این سود دهی انفجاری که در ربع آخر قرن در چین رخ داده است همچنین به دین طریق اثراتش خنثی شده که در جهان صنعتی قدیمی با مشاغل زیاد با درآمد بالا همراه بوده است.

همراه با بالا رفتن استاندارد زندگی در چین از شدت رقابت بین این دو جهان یعنی جهان قدیم و جهان جدید اقتصادی کاسته خواهد شد و این دو بسوی همترازی سیر خواهند کرد\*۱.

با رشد یابندگی نیروی اقتصادی، چین و هند در آینده نقش بیشتری در سیاست جهانی پیدا خواهند نمود. اینکه چگونه این دو سویر قدرت جدید از این نقش شان در آینده در تعیین سیاست جهان استفاده و یا سوء استفاده خواهند نمود، روشن نیست. اما آن زمان که بعد از پایان جنگ سرد آمریکا بر سیاست جهانی حاکم بود، در حال زدوده شدن است.

رژیم کمونیستی چین در برابر دو تهدید بزرگ در آینده قرار دارد\*۲

تهدید اول که باید از آن جلوگیری نماید این است که این رشد روزافزون شکاف های اجتماعی باعث شورش کارگران و مردم فقیر رها شده در روستا ها خواهد شد. غیبت حقوق دموکراتیک تا اکنون در میان این طبقات و اقشار شورش گونه هائی را باعث شده است، که به ندرت در مدیای دنیای غرب منعکس شده است.

دومین تهدید که چین باید با آن درگیر شود و کاری در رابطه با آن انجام دهد، ویران کردن محیط زیست با سرعت بسیار است. چنین خطری همین امروز به اندازه ای تهدید کننده شده است که مستقیماً زندگی انسانها و رشد اقتصادی را در خطر نابودی قرار دهد. بیشتر از نصف منابع آب این کشور بر اثر مواد شیمیائی و باقی مانده دیگر مواد صنعتی ناپاک برای آشامیدن زیان آور شده است. پاک کننده های هوا در شهرهای بزرگ چین از هر جای دیگری در دنیا بدتر است. مصرف انرژی تقریباً همه از زغال کثیف تهیه می شود.

اگر چین می خواهد از یک فاجعه محیط زیستی در حال اتفاق افتادن جلوگیری کند، بر طبق گفته و نظر خود محققین این کشور باید در زیرساخت و امورات عمومی و تکنیک مدرن و یک مراقبت محیط زیستی سرمایه گذاری کند که اکنون به کلی فاقد آن است.

راه حل مسئله به شکل تنوریک وجود دارد. اما نیروهای ضد آن نیز قوی اند. در کشورهای با نیاز مصرف تلنبار شده معمولاً امکانات برای یک رشد شتابان بر سرمایه گذاری برای یک زیرساخت قابل دوام پیشی می گیرد و شوق زیادی برمی انگیزد.

صبر یک اخلاق و تقوای چینی است. این کیفیتی است که مردم چین در دوران جهش بزرگ به جلو بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمندند. وقت و زمان زیادی می خواهد که انسان یاد بگیرد بر نیروهای اقتصادی که رها کرده است حاکم شود. و بدون رفورم های دموکراتیک یقیناً انسان نمی تواند در این کشور با تعهد به وظایف به جلو قدم بردارد.

مارتین لیندبلوم (Martin Lindblom) روزنامه ال او (Lo) سازمان سراسری کارگران سوئد

برگردان به فارسی

**حمید قربانی**

۲۸ فوریه ۲۰۰۶

ملاحظات مترجم

\* ۱ نویسنده مقاله یک سوسیال دموکرات

بقیه از صفحه ۱۳

## جهش بزرگ چین (ملاحظات مترجم)

است و در این رابطه هم عقیده کلاسیک سوسیال دموکراسی را بیان می دارد. سوسیال دموکراتها در نیمه دهه دوم قرن گذشته به رهبری کائوتسکی معتقد بودند که امپریالیسم با رشد خود، بسوی محور رقابت و تضاد موجود بین سرمایه های مختلف حرکت کرده و در نهایت جهانی بدون رقابت و به زبان دیگری بدون جنگ بین امپریالیست ها خواهیم داشت که آنرا کائوتسکی اولترا امپریالیسم می نامید. این برداشت از حرکت سرمایه در برابر برداشت دیگری که بوسیله نلین و روزا لوکزامبورگ نمایندگی می شد، قرار داشت. برداشت دوم معتقد بود که با رشد امپریالیسم، تضاد بین سرمایه های مختلف نه تنها از حدتش کاسته نخواهد شد، بلکه شدت خواهد یافت و منجر به جنگ های وحشتناکی خواهد گردید. که ما تا کنون 2 جنگ جهانی و جنگ های بیشمار منطقه ای، که یکی از بنیادی ترین علل شان همین تضاد بین سرمایه های امپریالیستی است، را شاهد بوده و هستیم.

\*۲ البته برای همه کس این واضح و روشن است که سیاست چین به هر چه شبیه است به جز یک سیاست کمونیستی و این بیشتر از هر کسی برای رهبران اتحادیه کارگری ال او سوند روشن هست.

سرکوب و تحقیر زنان و دختران

۴. ایجاد تشکلات ویژه زنان، انتشار مطبوعات آزاد و ویژه زنان

۵. ایجاد شرایطی در جامعه که فعالیت و رفت و آمد آزادانه زنان را امکان پذیر نماید

۶. دستمزد و حقوق برابر در مقابل کار برابر مردان و زنان

۷. پاک کردن محتوای مرد سالارانه از دروس و منابع آموزشی، از برنامه رسانه های گروهی و از زبان گفتاری و نوشتاری

۸. آزادی سقط جنین (حق کنترل زنان بر بدن خویش)

۹. ممنوعیت ازدواجهای مبتنی بر زور و اجبار

۱۰. ممنوعیت چند همسری و صیغه و ازدواج کودکان

۱۱. ممنوعیت ضرب و شتم زنان توسط همسرانشان

۱۲. حق طلاق و حضانت برای زنان بدون قید و شرط

۱۳. ما خواهان لغو کار کودکان و تامین زندگی شایسته انسانی برای آنان فارغ از تعلقات خانوادگی و کشوری هستیم

۱۴. تامین حقوق زنان خانه دار و سرپرست خانواده و ایجاد فضای شغلی مناسب و تضمین امنیت شغلی

۱۵. از کارگران و اعتراضات آنها حمایت کرده و خواستار آزادی کارگران دستگیر شده شرکت واحد و منع پیگرد آنان هستیم

۱۶. آزادی همه زندانیان سیاسی

ما از کارزاری که به ابتکار زنان خارج کشور علیه قوانین ضد زن به راه افتاده حمایت کرده و دست آنها را می فشاریم.

\*\*\*

## هشت مارس در ایران گزارش برگزاری مراسم روز جهانی زن (۸ مارس) در رشت

به مناسبت روز جهانی زن به همت جمعی از زنان رشت نمایشگاه کتاب در خیابان لاکنی برگزار شد. این نمایشگاه از بعد از ظهر روز ۱۶|۱۲|۸۴ شروع و بعد از ظهر ۱۸|۱۲ به اتمام رسید. در دومین روز نمایشگاه که مصادف بود با ۸ مارس زنان برگزار کننده در خیابان مقابل نمایشگاه، با در دست داشتن پلاکاردهایی روز جهانی زن را گرامی داشتند. متن پلاکاردها عبارت بودند از *حقوق بشر ممکن است، ما آن را خواهیم ساخت* و ۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد. در ضمن شیرینی و بروشور هایی که به همین مناسبت تهیه شده بود در بین عابرین پخش شد. این عمل موجب شد عده ای که از برگزاری نمایشگاه اطلاع نداشتند از آن بازدید نمایند. در مجموع علیرغم اطلاع رسانی اندک استقبال خوبی (به ویژه از جانب زنان) به عمل آمد. بعد از ظهر روز ۱۸ اسفند نیز جشنی به همین مناسبت برگزار گردید که ابتدا فیلم تاریخچه ۸ مارس پخش شد و مقالاتی خوانده شد عناوین مقالات عبارت بودند از "زنان در بازار کار ایران" در این مقاله وضعیت زنان تهی دست در ایران و همچنین موانع قانونی کار زنان تشریح شده بود.

مقاله دیگر در باره تاریخچه مبارزات زنان در ایران و مقاله سوم در باره کار خانگی در گذر تاریخ و شرایط زنان خانه دار در نظام سرمایه داری بود. در میان برنامه ها نیز اشعاری از فروغ و شاملو خوانده شد. متن مربوط به کارزار زنان قرانت شد و همچنین ویدئو کلیپ کارزار برای حضار پخش گردید که با استقبال مدعوین روبرو شد.

در انتها نیز قطعه ای که در زیر آمده قرانت شد.

۱. لغو همه قوانین ضد زنان، لغو مجازاتهای ویژه زنان، لغو سنگار

۲. آزادی زنان در انتخاب پوشش، انتخاب شغل، حق سفر و تحصیل

۳. انحلال ارگانهای انتظامی مخصوص

# کارگر امروز

از سایت کارگر امروز  
دیدن کنید.

[www.workertoday.com](http://www.workertoday.com)

برای زنان سرپرست خانه وار و ایجاد فضای شغلی مناسب و تضمین امنیت شغلی.

### ما در این روز گرامی:

۱۴. از کارگران و اعتراضات آنها حمایت کرده و خواستار آزادی کارگران دستگیر شده شرکت واحد و منع پیگرد و تعقیب آنها هستیم. کارگران شرکت واحد باید به مطالبات و خواسته های خود دست یابند.  
۱۵. ما خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی، دانشجویان و وبلاگ نویسان هستیم.

۱۶. ما از کارزاری که به ابتکار زنان خارج کشور علیه قوانین ضد زن و مجازاتهای ویژه زنان به راه افتاده و راهپیمایی چهار روزه ای را در اروپا سازمان داده اند، حمایت کرده و همبستگی خود را با آنان اعلام کرده و دست آنها را می فشاریم.

۱۳ اسفند ۱۳۸۴ برابر با

۴ مارس ۲۰۰۶  
\*\*\*\*\*

### تجمع اعتراضی

### کارگران کارخانجات

### ریسندگی و بافندگی کاشان

۴۰۰ کارگر کارخانجات ریسندگی و بافندگی کاشان امروز شنبه ۲۷ اسفند ماه به نمایندگی از همکارانشان و در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود در مقابل فرانداری این شهر اقدام به تجمع اعتراضی نمودند.

کارگران معترض خیابان مقابل فرمانداری شهرستان کاشان را مسدود کرده و برای ساعاتی از حرکت ماشینها در این خیابان جلوگیری کردند.

کارگران کارخانجات مذکور ضمن محکوم کردن بی توجهی مسئولین رژیم نسبت به مشکلاتشان خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

گفتنی است که بیش از ۲۳۰۰ کارگر در کارخانجات ریسندگی و بافندگی کاشان مشغول کار هستند که طی یک سال گذشته چندین بار دیگر با برگزاری اعتصاب و تجمعات اعتراضی حل مشکلاتشان را خواستار شدند.\*

## هشت مارس در ایران

### قطعهنامه گروهی از زنان و مردان مبارز و مترقی استان تهران- بمناسبت هشت مارس ۱۳۸۴

و مطالبات خود را با صدای بلند اعلام کرده و خواستار تحقق آنان هستیم.

۱- لغو همه قوانین و مقررات مدنی و شرعی عرفی ضد زن. لغو مجازاتهای ویژه زنان. لغو سنگسار.

۲. لغو حجاب اجباری. آزادی زنان در انتخاب پوشش، انتخاب شغل، حق سفر و تحصیل.

۳. انحلال ارگانهای انتظامی مخصوص سرکوب و تحقیر زنان و دختران.

۴. ایجاد تشکلات ویژه زنان، انتشار مطبوعات آزاد و به ویژه مطبوعات زنان.

۴. ایجاد شرایطی در جامعه که فعالیت و رفت و آمد آزادانه زنان را امکانپذیر نماید. دست مزد و حقوق و مزایای برابر در مقابل کار برابر زنان و مردان.

۵. پاک کردن محتوای مرد سالارانه از درس و منابع آموزشی. از برنامه رسانه های گروهی و از زبان گفتاری و نوشتاری.

۶. آزادی سقط جنین (حق کنترل زنان بر بدن خویش)

۷. تدوین سیاست تنظیم خانواده که در خدمت زنان باشد.

۸. ممنوعیت ازدواجهای مبتنی بر زور و اجبار.

۹. ممنوعیت چند همسری و صیغه و ازدواج کودکان.

۱۰. ممنوعیت ضرب و شتم زنان توسط همسرانشان.

۱۱. حق طلاق و حضانت برای زنان بدون قید و شرط.

۱۲. ما خواهان لغو کار کودکان و تامین زندگی شایسته انسانی برای آنان فارغ از تعلقات خانوادگی و کشوری هستیم.

۱۳. تامین حقوق زنان و بیمه بیکاری

به مناسبت روز جهانی زن (۸ مارس) جمعی از زنان و مردان مبارز در استان تهران برنامه ای تدارک دیده و جشن ۸ مارس خود را در کوهستان ها برپا کردند. گزارش این گردهم آبی و پیام آن به راهپیمایی کارزار زنان را قبلا درج کرده ایم.

(<http://www.karzar-zanan.com/kooh.pdf>)

قطعهنامه زیر که در این مراسم به تصویب رسید در گردهم آبی پارک دانشجو نیز پخش شد.

### قطعهنامه

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز مبارزه برای آزادی و برابری زنان در سراسر جهان است.

ما شرکت کنندگان در این برنامه این روز فرخنده را گرامی می داریم و همراه با زنان و مردان آزاده در سراسر جهان، ندای رهایی و برابری زنان را سر می دهیم.

نظام سرمایه داری و دولتهای حاکم بزرگترین منبع ستم بر زن و خود مرد سالارهای اصلی هستند. در کشور ما قانون اساسی و جزایی و مدنی علیه زنان و ناقض حقوق برابر زن و مرد است. استفاده از شریعت از مهم ترین اهرمهای سرکوب زنان است. اینها همه بی حقوقی غیر انسانی را بر زنان تحمیل میکنند. این قوانین باید ملغی شوند. جدایی دین از دولت و قطع کار بست احکام شریعت و فقه در مورد زنان جزو اولیه ترین شرایط آزادی و برابری زنان است. ما زنان و جوانان و همه مردم را به اعتراض و مقابله با این قوانین ضد زن فرا میخوانیم و این را بخشی از مقاومت عمومی همه مردم میدانیم.

ما مخالف قدرتهای بزرگ غربی و توطئه های آنها هستیم که میپندارند زنان (همچون زنان ایران، افغانستان و عراق) نیازمند "قیم" هستند و میخواهند "آزادی" را با لشکر کشیهای خاتمان برانداز خود برای ما به ارمغان بیاورند. در این روز بزرگ یکبار دیگر خواسته ها

## هشت مارس در ایران گزارشی از برگزاری مراسم روز ۸ مارس در سنندج

برگزاری مراسم مذکور با استقبال دوستاناران حقوق زن روبه رو گردید.

مراسم با تاریخچه ۸ مارس آغاز گردید. و با مقاله ای تحت عنوان تشکل ها و جنبش زنان توسط آقای پیمان نودینیان از فعالین حقوق کودکان و دبیر انجمن صنفی معلمان ادامه یافت.

خاتم ثریا محمدی از موسس جامعه حمایت زنان با موضوع خشونت بر زنان در ریشه های تاریخی ارائه دهنده ی مراسم بوده همچنین خاتم سیما علیخانی مطلبی با عنوان آرایش مد و بزهکشی از زنان ایراد نمودند.

در ادامه ژینا مدرس گرجی در خصوص مصادیق خشونت مطالبی ارائه دادند. همچنین خاتم الهام حبیبی از اعضای کانون دفاع از حقوق کودکان در خصوص حقوق زنان مطلبی با زبان انگلیسی ایراد نمودند.

خاتم شتاو نودینیان نیز مطلب خود را با عنوان قتل‌های ناموسی و دیگر مشکلات زنان ارائه دادند.

در پایان تجمع قرائت بیانیته ی ۸ ماده ای (۸ مارس) قرائت گردید که با تشویق و همراهی حضارتانید گردید.

فضای محل برگزاری با پلاکاردها همچون: گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن و خجسته باد روز آزادی خواهی و برابرگی طلبی زنان جهان، خواست بشریت متمدن آزادی صلح رفاه و آسایش، و... و تراکتهای از قبیل خشونت بر زنان ممنوع، آگاهی زنان = فردای بهتر، مشکلات

اقتصادی زنان ناشی از طبقات اجتماعی است نه طبیعت! و چندین چند تراکت دیگر مزین شده بود.

همچنین در خلال مراسم نمایشگاه نقاشی و کارت پستال اعضای انجمن برگزار شد. لازم به تذکر است که روز جهانی زنان در چند ساله توسط جامعه حمایت برگزار و هر سال با استقبال بی نظیر همراه بوده است.\*

شهروند در رابطه با آنها اصلا رعایت نمی‌شود.

اگر پرستاران یا پزشکان مهربان و مسنول شیفت باشند و اقدامات درمانی را با دلسوزی انجام دهند پیگیری درمان به تعویق می‌افتد. به طور مثال اگر نیاز به دارویی داشته باشند که خارج از بیمارستان باید تهیه شود برای این گونه افراد خریداری نخواهد شد چون نه پول دارند نه همراه و مددکار بیمارستان هم به یاری آنها نمی‌آید چون کارتن خواب است. اگر در بخش اورژانس حال بیمار بهتر شود و ترخیص شود و به خاطر اینکه جایی را ندارد از بیمارستان خارج نشود به زور او را تهدید به اخراج و زندان می‌کنند و بی‌رحمی به اوج می‌رسد و آنها را در کوچه پس کوچه های اطراف بیمارستان رها می‌کنند که در بیمارستان‌های امام خمینی، هفتم تیر و فیروزآبادی به وضوح دیده شد و حتی تصادفاً از تلویزیون هم پخش شد. مسنولین بیمارستان صریحاً اعلام کرده اند جهت این گونه افراد اقدامات درمانی پرخرج مثل سی‌تی اسکن مغز و ام.آر.آی انجام نشود. تا ۲۴ ساعت صبر کنند اگر حالش بدتر شد موارد فوق اجرا شود. در حالی که همه می‌دانند که سی‌تی اسکن مغز در بیماران کاهش سطح هوشیاری، یک اقدام درمانی فوری است. اگر کارتن خواب‌ها حال بدی داشتند و نیاز به درمان درازمدت داشتند در بخش‌ها بستری می‌شود و بی‌احترامی‌ها هم ادامه می‌یابد و مددکار جهت مذاکره با بهزیستی وارد عمل می‌شود که در نهایت کاری برای فرد مذکور انجام نمی‌دهند و جهت خروج بیمار از بیمارستان اقدام می‌کنند که ماهها طول می‌کشد و بهزیستی به راحتی مسئولیت آنها را قبول نمی‌کند و اظهار می‌دارد که باید کاملاً سالم شوند. این جای سوال دارد. وقتی درمان کامل نباشد و داروهای مورد نیاز برای وی تهیه نشود چگونه سلامتی حاصل می‌شود. و اگر به دلیل مصرف موادمخدر به خصوص در زمستانها به علت سردی هوا مجبور می‌شوند از موادی استفاده کنند که آنها را گرم نگه دارد گاه‌ها دچار مسمومیت و در موارد مصرف بیجا و بالا موجب بیهوشی و در نهایت ارست قلبی می‌شوند که مردم، پلیس و اورژانس را مطلع می‌کنند. زمانی که وارد بیمارستان‌ها می‌شوند باز هم با قضاوت کنار خیابانی اقدامات احیا به درستی انجام نمی‌شود و در نهایت تنهایی و بی‌حقوقی به سردخانه منتقل می‌شوند.

\*\*\*

## بیمارستان ها و کارتن خواب ها

منبع: نشریه آوای کار  
۱. کبریایی

۱۶ دی ماه جهت شرکت در جشنی که به مناسبت اولین روزنامه کارگری که در سال ۱۳۰۰ به چاپ رسیده بود راهی شدم. متأسفانه زمانی که به محل برگزاری رسیدم با لغو برنامه به علت نامعلومی مواجه شدم. بسیار متأسف شدم که ۸۴ سال پیش چنین روزنامه ای چاپ می‌شده با شعار «رنجبران روی زمین اتحاد» و امروز که این همه شعار در رابطه با حقوق بشر، آزادی داده می‌شود از بزرگداشت آن جلوگیری می‌کنند... بروشور بزرگداشت را که مرور می‌کردم مطالبی شامل زندگینامه آقای دهقان و اخبار... و صفحه آخر بروشور شعر کارتن خواب‌ها از آقای سیدعلی صالحی به چاپ رسیده بود. شاعر بسیار شیوا حس کارتن خوابها را بیان کرده بود. گویی شبی را با آنان گذرانده و درد و رنج آنها را با تمام وجود درک و بیان کرده است. خواندن شعر فوق انگیزه نوشتن در رابطه با مشکلات کارتن خواب‌ها در بیمارستان‌ها را در من برانگیخت. نوشته‌ی زیر نظری اجمالی بر مشکلات آنها می‌باشد. همه ما از دود و کثیفی شهر تهران مطلع هستیم. انسان‌هایی که در خانه زندگی می‌کنند و آب گرم دارند، حمام دارند از کثیفی و تعویض لباس‌ها به تنگ آمده‌اند وای بر احوال کسی که از داشتن همه امکانات محروم باشد و در واقع کارتن تنها سرمایه زندگی‌اش باشد. ظرف چند روز در خیابان مانند انسان را تبدیل به فرد ژولیده و سیاه می‌کند که مردم عادی سعی می‌کنند از او فاصله بگیرند. اگر نزدیک منازل مسکونی بخوابند مردم معترض می‌شوند و معمولاً به پلیس و... متوسل می‌شوند و یا از طریق اورژانس تهران، برای انتقال آنها به بیمارستان‌ها اقدام می‌کنند. گاهی برخی از آنها از ضعف و بی‌حالی به حالت نیمه بیهوش هستند که به مراکز درمانی آورده می‌شوند. متأسفانه در بیمارستان‌ها اصطلاح کنار خیابانی یا بی‌خاتمان را برای این افراد بی‌رحمانه استفاده می‌شود و تحقیر و توهین از بدو ورود شروع می‌شود. اقدامات درمانی برای این افراد با تاخیر انجام می‌شود و حقوق مدنی یک



شخصی که با دوربین های فیلمبرداری و موتور هوندای خود دانما در حال تصویر برداری بودند، در امان نبود. جالب هم اینجاست که وقتی از آنها سوال می شد، چرا فیلمبرداری می کنید، پاسخ های ضد و نقیضی را می دادند. یکبار می گفتند از فلان مطبوعه که آگهی چاپ می کند آمده ایم، بار دیگر می گفتند از بسیج پایگاه ... آمده ایم و بار دیگر از بسیج فلان اداره و ... تا پایان این مراسم بالاخره مشخص نشد که آنان از چه نهادی و برای چه منظوری اقدام به فیلمبرداری نمودند.

شایان ذکر است، این انجمن در روز هشتم مارس، مقارن با روز جهانی زن، نشستی را با حضور فعالان حوزه زنان، فعالان اجتماعی و فرهنگی شهر گرگان در محل انجمن همراه با برگزاری نمایشگاه عکس، کاریکاتور و پخش فیلم مستند، به مدت سه ساعت برگزار کرد.

در این نشست نیز هر یک از حاضرین با ایراد سخنانی درباره جنبش فمینیسم، ضرورت دستیابی زنان به حقوق برابر، مشکلات و موانع موجود بر سر احقاق حقوق زنان و ... به تشریح دیدگاه های خود پرداختند.\*

Email:mpendarnik@yahoo.com  
\*\*\*\*\*

## منصور حیات غیبی آزاد شد

### سایت خانه کارگر آزاد

منصور حیات غیبی که چندین ساعت پس از آزادی از زندان اوین، به همراه همکارانش، دوباره دستگیر و به مدت پنج روز در اعتراض به این دستگیری اعتصاب غذا کرده بود، روز دوشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۸۵ آزاد شد.

اما هنوز منصور اساتلو مسئول سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه در زندان به سر می برد. شایسته است که کارگران ایران آزادی منصور اساتلو و لغو احکام زندان و تبعید فعالین کارگری روز اول ماه مه شهر سقز را به یکی از خواستهای مبارزاتی خود تبدیل کنند. باید کاری کرد که رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی قادر نباشد هیچ کارگری را دستگیری و زندانی کند.\*

خانه کارگر آزاد

۱۳۸۵|۱|۲۳

ارث، دیه و ممانعت از تعدد زوجات است» اما خانم دیگری که حدودا سی و پنج ساله به نظر می رسد، می گوید:

«فکر می کنم حرکت های زنان، امروز از جمله حرکت هایی باشد که در جامعه هدف گذاری مشخصی دارد و بر همین اساس ما نیز همگام با سایر زنان ایرانی دور هم جمع شدیم تا با یک حرکت نمادین، جامعه را نسبت به حقوق زنان حساس کنیم.»

وی با اظهار تاسف از حادثه پیش آمده در هشتم مارس، در پارک دانشجو، می افزاید:

«شنیدن خبر ضرب و شتم زنان هموطن در پارک دانشجو، موجب حیرت و نگرانی ما شده است. فکر نمی کنم که زنان در پارک دانشجو به قصد شورش دور هم جمع شده بودند. اهداف آنها کاملا بشر دوستانه بوده و کتک زدن زنان در روزی به نام «زن» واقعا جای تاسف دارد.»

وی در عین حالیکه با سیمین بهبهانی اظهار همدردی می کند، خاطر نشان می کند:

«وقتی خبر ضرب و شتم بزرگ شاعره معاصر زنان ایرانی، خانم سیمین دانشور، را شنیدم واقعا قلبم به درد آمد، چون تقریبا یک ماه پیش ایشان را در یکی از نشست های ادبی در تهران دیده بودم. واقعا تعجب می کنم که با این کهولت سن، چطور به این سرمایه ی فرهنگی کشور هم رحم نکردند و مورد ضرب و شتم قرار دادند.»

لازم به ذکر است که در این راهپیمایی دو پرورشور با عنوان های «خشونت علیه زنان و «سرطان های رایج میان زنان» در بین راهپیمایان توزیع شد.

همچنین در پایان این مراسم، چند تن از فعالان حوزه زنان در شهر گرگان به ایراد سخنانی پرداختند. در این سخنرانی ها، حضور موثر زنان در انجمن های غیردولتی، تاثیر فعالیت های مشترک و همسوی زنان در بیان مطالبات به جامعه، حساس سازی زنان برای به دست آوردن کرسی های تصمیم گیری و ... مورد تاکید سخنرانان قرار گرفت.

هر چند این راهپیمایی نخستین، راهپیمایی زنان گرگانی به مناسبت پاسداشت روز جهانی زن و با مجوز از طریق مراجع قانونی صورت گرفت، اما ظاهرا این حرکت آرام نیز از تیررس دو لباس

## هشت مارس در ایران روز هشت مارس در گرگان

به مناسبت فرا رسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن، کمیته زنان موسسه پویندگان معرفت، اقدام به برگزاری راهپیمایی همگانی در روز جمعه، دهم مارس کرد. در این راهپیمایی که از ساعت ۸ صبح و با حضور بیش از یکصد نفر از زنان از میدان کاخ گرگان آغاز شد، راهپیمایان با در دست داشتن پلاکاردهایی، به نقش زنان در جامعه و توجه نهادهای تصمیم گیر برای احقاق حقوق آنان تاکید کردند.

### مریم پندارنیک

اخبار روز

[www.iran-chabar.de](http://www.iran-chabar.de)

سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۸۴

۱۴ مارس ۲۰۰۶

به مناسبت فرا رسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن، کمیته زنان موسسه پویندگان معرفت، اقدام به برگزاری راهپیمایی همگانی در روز جمعه، دهم مارس کرد.

در این راهپیمایی که از ساعت ۸ صبح و با حضور بیش از یکصد نفر از زنان از میدان کاخ گرگان آغاز شد، راهپیمایان با در دست داشتن پلاکاردهایی، به نقش زنان در جامعه و توجه نهادهای تصمیم گیر برای احقاق حقوق آنان تاکید کردند. در این راهپیمایی که حدودا سه ساعت به طول انجامید، زنان مسیر ۱۰ کیلومتری را تا باباطاهر ناهارخوران طی کردند.

یکی از شرکت کنندگان در این مراسم، درباره هدف از حضور خود در این راهپیمایی گفت:

«هشتم مارس از جمله روزهایی است که نشان می دهد، زنان برای رسیدن به خواسته های خود، از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. هدفم از حضور در این مراسم، همنوایی با زنان تمام ایران و جهان بود تا بتوانیم مطالبات قانونی خود را به گوش تصمیم گیران و قانونگذاران برسانیم» او درباره مطالبتش می گوید:

«مهمترین خواسته ی من در سطح بین المللی، پذیرش کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان توسط ایران و در سطح داخلی نیز اصلاح برخی از مواد قانونی نظیر حق حضانت کودک توسط مادر، حق طلاق،

## بیانیه کمیته اعتصاب

### کارگران

### شرکت ایران خودرو

و اینک وظیفه ما است که با اتحاد خودمان و مبارزه خودمان اجازه ندهیم بیش از این به ما ظلم کنند هر چند می دانیم جواب اعتصاب زندانی و دستگیری و اخراج است. هر چند می دانیم آقای دانشیان هیچ جوابی برای ما ندارند و فردا با نیروهای حراست و اطلاعات به سراغ تک تک مان خواهند آمد و در موقع مناسب اخراج مان خواهند کرد. چاره ای نداریم جزء اتحاد و آگاهی. اگر ما آگاه شویم متحد نیز خواهیم شد و دیدیم در مقابل نیروی اتحاد ما آقای دانشیان هیچ چیز نداشت بگوید و ما به مبارزه خود تا تحقق خواستههای زیر ادامه خواهیم داد.

پاداش تولید نسبت به افزایش تولید باید بیشتر از سال قبل باشد.

پرداخت پاداشها باید طبق کار باشد کار مساوی مزد مساوی پاداش کارگران پیمانکاری و یگجی نباید کمتر از کارگران رسمی باشد.

ما خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای همه کارکنان و پرداخت معوقه آن از سال ۸۲ هستیم.

ما کارگران هر گونه تهدید علیه کارگران معترض را محکوم کرده و به حراست هشدار می دهیم که دست از جاسوس بازی بردارند چون اگر حق ما را خورده اند حق آنها نیز ضایع شده است. مطمئن باشید به شما دوستان حراستی که در کف سالن ها هستید چیزی بیشتر از ما نخواهند داد.\*

### زنده باد مبارزه برای

### زندگی بهتر

### کمیته اعتصاب کارگران ایران

### خودرو

تاریخ ۸۴/۱۲/۲۲

## پلیس ترکیه به پناهندگان معترض حمله ور شد

در حدود ۲۰۰ پناهنده کرد ایرانی که بیش از ۵ سال است در انتظار انتقالشان از ترکیه به کشورهای امن پناهنده پذیر می باشند جهت اعتراض به سیاست تعویق هدفدار و کشنده اسکاندهیشان که با همکاری دولت ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگان اجرا می شود از ساعات اولیه صبح امروز در جلو درب دفتر کمیساریای پناهندگان در آنکارا تجمع کرده، خواستار پاسخ گویی مسئولین آن کمیساریا به خواستههایشان شدند. اما متأسفانه بر طبق روال معمول از پلیس ترک جهت مداخله و پراکنده کردن معترضین کمک خواستند و آنها نیز که از چند روز قبل در آماده باش بودند و از همان ساعات اولیه پناهندگان را محاصره کرده بودند به جمعیت معترض که در میانشان زن و بچه هم حضور داشتند حمله ور شده و پس از ضرب و شتم وحشیانه همگی را دستگیر و به مکانهای نامعلومی انتقال دادند که بر اساس آخرین خبر گروهی از آنها بعد از بازجوی تحت نظر پلیس جهت بازگرداندن به مراکز اقامت موقتشان در ۱۵ شهر ترکیه به بازداشتگاه ترمینال آنکارا منتقل شده اند و پلیس جهت خرید بلیط از آنها پول مطالبه نموده است.

این اقدامات پلیس ترکیه عملی ست که در برابر اقدامات اعتراضی و به حق این پناهندگان مرتباً تکرار می شود. ما از همه انسانهای آزادیخواه، دلسوزان و غمخواران این پناهندگان و کلیه سازمانهای مدافع حقوق بشر و پناهندگی و احزاب و سازمانهای سیاسی می خواهیم جهت توقف این نوع اقدامات وحشیانه موضعگیری جدی نموده و خواهان آزادی دستگیر شدگان، رسیدگی به وضعیت این پناهندگان و انتقال سریعشان به کشور امن پناهنده پذیر شوند.\*

۲۰۰۶/۳/۱۵

واحد خبر رسانی پناهندگان کرد ایرانی در ترکیه-کیس موسوم به شمال عراق

جهت دریافت اطلاعات بیشتر می توانید با افراد دستگیر شده زیر تماس حاصل فرمائید

فرهاد ۰۰۹۰۵۵۵۲۰۶۶۷۳۴

جمیل ۰۰۹۰۵۵۵۳۸۷۶۵۸۹

## به پیش!

## یورش پلیس به تجمع کارگران "صنایع پوشش رشت"

۵۰۰ کارگر کارخانه "صنایع پوشش رشت" در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و مزایای خود اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی نمودند.

کارگران تجمع کننده در اعتراض به عدم مطالباتشان روز گذشته ۱ فروردین ماه ضمن آتش زدن لاستیک جاده اصلی رشت بندر انزلی را به مدت یک ساعت مسدود کرده و مانع تردد ماشینهای عبوری در این جاده شدند.

نیروهای انتظامی مستقر در شهر رشت به صف کارگران تجمع کننده که خواستار مطالبات قانونی خود بودند یورش برده و در نتیجه چند نفر از کارگران کارخانه "صنایع پوشش رشت" توسط نیروهای انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و زخمی شدند.

این کارگران که از ناحیه دست، پا، گردن و سر دچار شکستگی شده بودند به بیمارستان منتقل شدند.

کارگران کارخانه "صنایع پوشش رشت" اعلام کردند که در صورت عدم پرداخت حقوق و مزایای خود همچنان به اعتراضات خود ادامه می دهند.\*

## به پیش! را مشترک شوید!

آدرس ای-میل خود را برای ما بفرستید تا **به پیش!** برایتان ارسال شود.

اگر مایلید نسخه چاپی **به پیش!** را دریافت کنید، آدرس پستی خود را برای ما بفرستید.

نسخه چاپی **به پیش!** رایگان است و تنها هزینه پست بعهد مشترکین است.

## بیانیه کمیته اعتصاب کارگران شرکت ایران خودرو

رسیدن به خواسته های خود به مبارزه ادامه خواهند داد.

### همکاران گرامی و دوستان کارگر شما قضاوت کنید که حق باکیست

روز شنبه آقای دانشیان معاونت منابع انسانی طی مصاحبه ای با کارآمد در مقابل اعتصاب ما کارگران دلایل کاهش پاداش ها را مطرح کردند که لازم است از کمیته اعتصاب به آن جواب داده شود تا شما قضاوت کنید حق باکیست. آقای دانشیان در مقابل سوال خبرنگار نشریه کارآمد در مورد کاهش پاداش آخر سال با وجود تولید بیشتر از سال قبل اعلام کرده است. درست است تولید افزایش یافته و شرکت حتی بیشتر از قبل تولید خواهد کرد ولی چون دیگر پیکان تولید نمی شود سود شرکت کاهش یافته است. ولی آقای دانشیان نگفته اند که تولید سال پیش با پیکان پنج میلیونی بود ولی امسال با محصولاتی جایگزین شده که قیمت آنها دو برابر پیکان بوده است و در نتیجه نه تنها سود شرکت کاهش نیافته بلکه به مقدار زیادی افزایش یافته است. این را خود آقای منطقی بارها در رسانه ها اعلام کردند که سود تولیدات ایران خودرو بیش از چندین برابر شده است.

ولی! از این سود و صادرات که با دستن توانمند ما تحقق پیدا کرده است چه نصیب ما شده است ما که برای رسیدن به برنامه تولید و شکستن رکورد ار همه زندگیمان گذشته و جمعه و روز تعطیل را در سر کار حاضر شده ایم به چه امید؟؟؟ که جواب زحمتهای ما با بیش از پنجاه درصد کاهش پیدا کند و رکورد سال قبل ۳۵۰ هزار تومانی بشود دویست هزار تومان؟؟؟

نه آقای دانشیان رواست صحبت کنید آیا راستی سود شرکت نسبت به سال قبل کاهش یافته است این را با آمار بگویند تا همه دوستان کارگر قضاوت کنند.

اگر شرکت سود ندارد اگر شرکت دست به کاهش هزینه ها زده چرا از جیب ما کارگران؟؟؟ چرا باید توان کاهش هزینه ها را ما بپردازیم اگر شرکت پول ندارد چرا با وجود سرمایه گزاری در تیم باشگاه پیکان که نتیجه آن در اثر سوء

مدیریت آقایان به دسته یک سقوط می کند. چرا میلیاردها تومان برای خرید باشگاه ابومسلم خرج می کنید؟؟ دوستان شما قضاوت کنید؟؟ اگر شرکت کاهش هزینه می کند اگر شرکت پول ندارد چرا درختکاری راه می اندازد و میلیاردها تومان برای کاشتن دامنه های البرز در جنگل کوهسار همین چند روز پیش سرمایه گزاری می کند. مگر شرکت شهرداری شده است ما نمی دانستیم چرا خرجهایی را روی دست ما و سهامداران شرکت می گذارید که هیچ ربطی به کار شرکت ندارد کدام یک از کارگران راضی به خرج این پول ها در این راه ها هستند کدام کارگر راضی است از شکم زن و بچه های ما بزنید و برای شهرداری درخت بکارید نه آقای دانشیان کارگران آگاهتر از این حرفها هستند که جنابعالی می فرمایید ولی چون نه نشریه دارند و نه تبلیغ روزنامه ها که هر هفته با پول ما سر سفره شرکت می نشینند! و از آن میل می فرمایند تا شما نشان بدهید که چه کار کرده اید؟؟؟؟ قضاوت با شما دوستان است.

اگر شرکت بودجه ندارد چرا هفته پیش میلیاردها تومان خرج جوایز برای عوامل فیلم های دهه فجر کرد به ایران خودرو چه ربط دارد که کدام هنرمند برنده شده است کدام کارگر راضی شده که با کاهش هزینه از غذای ما، دستمزد ما و پاداش ما برای برندگان فیلم فجر و برای فوتبالیست های تیم ملی میلیاردها تومان جوایز بدهید. دوستان شما قضاوت کنید؟؟ اگر شرکت بودجه ندارد چرا هر روز دهها مدیر درست می کند چندین نمایندگی در خارج راه می اندازد که هزینه تمام آنها پول دریافتی ما کارگران در طول چندین ساله در شرکت است. نه آقای دانشیان ما به شما اعتماد نداریم چون شما در عمل نشان دادید که طرف چه کسانی هستید ادعاهایی که شما می کنید که برای ما صدقه سری می دهید همه از ریش خودمان است که از آن برداشته و به سبیل مان می چسبانید. اگر روزهای جمعه پاداش می دهید از اکورد همان ماه مان می زنید، اگر یک بن اعلام می کنید از عیدی پاداش خودمان می زنید. نه آقای دانشیان این ها که شما می فرمایید کاهش هزینه نیست از نظر ما کارگران دزدی در روز روشن است. اگر باور ندارید اجازه بدهید تشکیلات ما کارگران برقرار شود تا برایتان ثابت کنیم که این هزینه از دسترنج چه کسانی است که یک میلیونیم آن به ما کارگران نمی رسد. اگر باور ندارید حواستان را جمع کنید تا کارگران نشان

دهند که معنی کاهش هزینه یعنی چه اگر باور ندارید فقط یک روز خطوط اینترنت را آزاد بگذارید تا بدانید آن چیزهایی که شما می گوئید! فقط زیر سایه نبود تشکل های آزاد کارگری و اخراجهای دسته جمعی و زندانی کردن ما کارگران است. اگر باور ندارید یک صفحه از کار آمد را به جای این همه تمجید و تعریف از خودتان در اختیار ما کارگران قرار دهید تا دوستان کارگر آزادانه قضاوت کنند که حق با کیست و چه کسانی منافع شرکت را بیشتر دوست دارند.

آقای دانشیان آیا شما معنی ارگونومی را می دانید؟؟ آیا می دانید ما کارگران دو ماه است که تمام ارگانیسم زندگیمان به هم ریخته نه شیفت صبح مان معلوم است و نه شیفت شب مان؟؟ آیا شما می دانید ما کارگران دو ماه است که بچه های خودمان را ندیده ایم چرا چون شما ما را وادار کرده اید و کارگران به علت بدهی و پانین بودن دستمزدهای دریافتی تن به این کارها می دهند. آیا شما خبر دارید اگر کارگری نخواهد روز جمعه سر کار بیاید کارت او را جمع می کنند، ۲۰٪ ار اکورد او را کم می کنند آیا شما خبر دارید برای کارگر ایران خودرویی بیماری با بدون حقوق ماندن هیچ تفاوتی ندارد چون هیچ کدام را طبق بخشنامه جنابعالی قبول نمی کنند و اکنون بعد از ۵۲۰ هزار دستگاه تولید که مایه مباحث شما است به ما کارگران چه می رسد ۵۰٪ درصد کاهش پرداختی نسبت به سال قبل با وجود تورم بیست و دو درصد نسبت به سال قبل؟؟ تفرقه و فرق بین کارگران قراردادی و پیمانکاری این است پاداش شما به ما کارگران؟؟؟ دوستان شما قضاوت کنید.

آقای دانشیان شما که می خواهید ما به شما اطمینان کنیم کدام گامهای عملی را برای ما کارگران قراردادی و پیمانکاری برداشته اید از روزی که شما تشریف آورده اید هنوز! هیچ کدام از کارگران قراردادی استخدام نشده اند و شرکت در زمان مدیریت شما جولانگاه شرکت های پیمانکاری گشته که فقط از جیب ما کارگران تغذیه می شوند چرا باید ما کارگران پیمانکار از کارگران رسمی کمتر بگیریم مگر ما در تحقق این تولید کمتر از کارگران رسمی کار کرده ایم.

### دوستان و همکاران گرامی

قضاوت با شما است هر چند می دانیم صدای ما کارگران از هیچ تریبونی شنیده

# Be Pish!

NO : 13

WEEKLY PAPER OF WORKERS SOCIALIST  
UNITY-IRAN  
WWW.WSU-IRAN.ORG  
BEPISH@HOTMAIL.FR

April 2006

News - Political

در نهایت مدیریت که عزم کارگران برای ادامه اعتصاب را می بینند و در هراس از گسترش اعتصاب به دیگر سالنها، اعلام می کند که ۲۰۰ هزار تومان به عنوان آکورد نظر مدیریت نبوده و اشتباها در کامپیوتر ها درج شده است. بدین شکل در برابر اعتصاب و حرکت هماهنگ کارگران، مدیریت ایران خودرو عقب نشینی می کند.\*

## اعتصاب کارگران ایران خودرو

به نقل از سایت اتحاد  
سوسیالیستی کارگری

شدت استثمار در ایران خود رو در چند ماه گذشته به شدت افزایش یافته و تولید خودرو چند برابر شده است. حتی بیشتر روز های جمعه کارگران مجبور به کار کردن هستند. تولید پژو ۲۰۶ به ۲۱۰۰ دستگاه در روز رسیده است.

مطابق روال همیشگی شش ماهه، بخشی از دستمزد کارگران به نام آکورد و بر اساس بالا رفتن تولید داده می شود. میانگین آن در دفعات قبل بطور متوسط ۳۰۰ هزار تومان بوده و حالا که تولید افزایش یافته، کارگران انتظار پرداخت آکورد بیشتری را داشتند. مدیریت که همیشه برای پای مال کردن مطالبات کارگران، ابتدا به شکل غیر مستقیم اطلاعاتی می دهد و یا نامه امضا نشده ای در تابلو اعلانات نصب می کند تا درجه اعتراضات را سنجیده و سپس اقدام کند، ابتدا در کامپیوترها رقم ۲۰۰ هزار تومان نوشته شد تا عکس العمل کارگران را ببیند. کارگران خط تولید یکی از سالنها با شنیدن خبر ۲۰۰ هزار تومان، دست از کار کشیدند و به طرف دیگر سالنها حرکت کردند. سالن تزئینات نیز همراه گردید و حدود هزار کارگر دست از کار کشیدند و به طرف دیگر سالنها حرکت کردند.

مدیریت بلا فاصله با حضور خود اعلام کرد که به دلیل متوقف شدن تولید پیکان، در آمد کارخانه کم شده، که با اعتراض شدید کارگران رو برو شد. کارگران می گفتند پس چرا تولید بالا رفته و حتی روز های جمعه ما نیز باید کار کنیم.

در ۱۴ اسفند ۱۳۸۴ کارگران شرکت ایران خودرو بر علیه مسئولین این شرکت و برای رسیدن به خواسته های انسانی و کارگری خود، دست به اعتصابی نسبتاً همه جانبه زدند که فوراً مدیریت را به پذیرش برخی از خواسته هایشان وادار کردند. این اعتصاب در حال حاضر با رسیدن به برخی از خواسته های مطرح شده در آن به پایان رسیده است. حاصل دیگر آن تشکیل یک کمیته اعتصاب بود که با صدور یک بیانیه که اکنون به درج آن در به پیش! اقدام کرده ایم. پس از اشاره به بهانه های مدیریت در رابطه با کسری پرداخت سهمیه کارگران از سود حاصله از تولید و دست و دل بازیشان در بودجه گذاریهای آنچنانی و خود شیرینی آنها در برابر مقامات شهرداری و... از جمله به کارگران پیام می دهد که " هر چند می دانیم صدای ما کارگران از هیچ تریبونی شنیده نخواهد شد و تمام روزنامه ها و خبرنگاریها در خدمت پول و سرمایه هستند، اینک وظیفه ما است که با اتحاد و مبارزه خودمان اجازه ندهیم بیش از این به ما ظلم کنند، هر چند می دانیم جواب اعتصاب، زندانی و دستگیری و اخراج است."

به پیش!

\*\*\*\*\*

## بیانیه کمیته اعتصاب کارگران شرکت ایران خودرو

به نقل از سایت خانه کارگر آزاد  
مبارزه کارگران شرکت ایران خودرو برای رسیدن به خواسته های خودشان که با اعتصاب روز چهارشنبه هفدهم اسفند شروع شده است همچنان ادامه دارد. کارگران شرکت ایران خودرو که با وعده مسولان موقتاً به کار ادامه میدهند اعلام کرده اند مبارزه آنها تازه شروع شده و تا

بقیه در صفحه ۱۹

Editor: Iraj Azrin

سر دبیر: ایرج آذرین

editorbaroo@yahoo.se

هیات تحریریه:

احسان کاوه

رضا مقدم

سودابه مهاجر

www.wsu-iran.org

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!